



عضو هیئت رئیسه مجلس با تأکید بر اینکه قصاص عاملان شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی یک راهبرد قطعی جمهوری اسلامی است، گفت: این اقدام ضرورتی عقلانی و بازدارنده است.

روح الله متفکر آزاد، با بیان اینکه طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی، انتقام از عاملان شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی یک موضوع حتمی است و آزادگان جهان نیز باید در این زمینه رسالت خود را انجام دهند، اظهار کرد: اتحاد امام و امت در خون خواهی رهبر شهید انقلاب اسلامی کاملاً مشهود است و این موضوع، مسئله‌ای کاملاً عقلانی به شمار می‌رود و نباید تصور کرد که صرفاً ناشی از احساسات است.

وی ادامه داد: دل مردم از شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی مملو از غم و اندوه است و آنان خواستار انتقام از عاملان این جنایت هستند، اما موضوع انتقام از دشمن تنها از روی احساس نیست، بلکه مسئله‌ای راهبردی است که آینده تعاملات ما با دشمنان را تعیین خواهد کرد.

عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: قصاص عاملان شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی، یک مسئله راهبردی است، زیرا موجب ایجاد بازدارندگی می‌شود و در آینده دشمن را در جایگاه واقعی خود خواهد نشاند.

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی افزود: این اقدام، امنیت روانی دشمن را بر هم خواهد زد و به زمین گیر شدن او کمک می‌کند. بنابراین، قصاص صرفاً یک واکنش احساسی نیست، بلکه ضرورتی عقلانی و راهبردی محسوب می‌شود.

متفکر آزاد ادامه داد: برخی افراد به درستی معتقدند که انتقام خون رهبر شهید انقلاب اسلامی، اخراج آمریکا از منطقه و شکست و نابودی رژیم صهیونیستی است و این سخن درست است، اما باید توجه داشت که این موضوع، نافی قصاص عاملان شهادت رهبر شهید ما، خانواده ایشان، شهدای جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی سوم، شهدای میناب، شهدای لامرد و دیگر شهدای عزیز کشورمان نیست.

وی تصریح کرد: قصاص یک امر لازم و قطعی است. عاملان شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی باید بدانند که جمهوری اسلامی ایران از این جنایت نخواهد گذشت و آنان قطعاً پاسخ خود را دریافت خواهند کرد. در کنار این موضوع، ان شاء الله اخراج آمریکا از منطقه و نابودی کامل رژیم صهیونیستی نیز در ادامه این مسیر محقق خواهد شد.

عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در پایان گفت: مسئولان نباید از بیان لزوم انتقام از دشمن ابایی داشته باشند، بلکه باید با صراحت و قاطعیت درباره این موضوع سخن بگویند. در این زمینه هیچ جای تردیدی وجود ندارد و دشمن باید بداند که ملت ایران در دفاع از کشور، آرمان‌ها و خون شهدای خود هرگز کوتاه نخواهد آمد.



۱۰ بار فرار

هوش مصنوعی «گروک»: ترامپ حداقل ۱۰ بار از تهدید خود عقب‌نشینی کرده و حملاتش به ایران را لغو کرده است!

فرا ترا از نفت

کارکرد تراستی‌ها در صادرات انواع محصولات ایرانی

خبری از آزادی نیست

سه ورزشگاه در تهران میزبان لیگ برتر فوتبال

رسانه عبری:

ایران به نقطه ضعف ترامپ پی برده است

چرا کاهش مقطعی نرخ ارز

به افت پایدار قیمت خودرو منجر نمی‌شود؟

کنوانسیون دریای خزر

تأمین امنیت ملی یا خسران جغرافیایی؟



شاخص تهدید ناپذیری هیئت مذاکره‌کننده ایرانی چیست؟



■ همزمان با تشدید تهدیدهای آمریکا، اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز به مرزی برای ارزیابی عملکرد هیئت مذاکره‌کننده ایران در مسیر پیش‌رو تبدیل شده است.

در طول یک هفته گذشته تهدیدات مقامات آمریکایی نسبت به هدف قرار دادن زیرساخت‌های کشور، تأسیسات هسته‌ای و ترور مقامات شدت گرفته است. علت این اتفاق چیست؟ از حوالی ۱۶ تیر ماه، یعنی از زمانی که طرف ایرانی به این جمع‌بندی رسید که آمریکا از رهگذر فهم خودش از بند چهار تفاهم‌نامه، عملاً اعمال حاکمیت ایران بر تنگه را ملغی و بی‌معنا خواهد کرد، به این دلیل که هم نرخ تردد از کریدور جنوبی از مسیر ایرانی پیشی گرفت و هم شناورهایی که قصد تردد از مسیر شمالی را داشتند با تهدید از سوی ارتش آمریکا روبرو بودند.

لذا ما به این جمع‌بندی رسیدیم که باید با مسدودسازی کریدور جنوبی، این مناسبات را بهم بزینم. این رویه جدید باعث شد که آمریکا شدت حملات را بالا برده و آتش را به عمق استان‌های جنوبی بکشانند تا بتوانند ما را وادار سازد که از ایجاد اختلال در دریانوردی دست بکشیم.

با گذشت حدود ۲۰ روز از این روند، آمریکا به این نتیجه رسید که این چالش، راه حل نظامی ندارد و عملاً آن‌هم که توسط سنتکام دنبال می‌شد نتوانست تغییری در نظام محاسبه یا تصمیم‌گیری طرف ایرانی ایجاد کند.

لذا خصوصاً پس از توسعه مناقشه به باب المندب و سوئز، آمریکا تصمیم گرفت حملات در جنوب را تخفیف داده و وارد فرآیند تهدید همه جانبه و گرفتن امتیاز سیاسی شود.

در میان همه مؤلفه‌های جنگ جاری، خط قرمز اصلی آمریکا، جلوگیری از اعمال حاکمیت یک‌جانبه ایران بر تنگه هرمز است. این مسئله لزوماً به مدیریت بازار انرژی در جهان یا قیمت بنزین در ایالت‌ها یا مدیریت سیاست داخلی آمریکا باز نمی‌گردد، مسئله نظم آینده خلیج فارس و نظم آینده منطقه است و این دیگر به خطوط وجودی آمریکا مرتبط است.



توطئه خلع سلاح حماس

■ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با گرامیداشت دومین سالگرد شهادت اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس، شهادت این رهبر فرزانه را موجب تقویت عزم راسخ و اراده پولادین ملت فلسطین و رزمندگان حماس برای ادامه راه پرافتخار او، تعمیق گفتمان مقاومت و فراگیر شدن موج حمایت از فلسطین در اقصی نقاط عالم دانست.

در بخشی از این بیانیه آمده است: ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران- در حالی که مهمان رسمی مراسم تحلیف رئیس جمهور اسلامی ایران بود- جنایتی عظیم و نقض فاحش اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل، حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی جمهوری ایران اسلامی بود.

این بیانیه می‌افزاید: با گذشت دو سال از جنایت رژیم صهیونیستی در ترور شیخ اسماعیل هنیه، و تلاوم نسل کشی و افزایش جنایت‌های قرون وسطایی صهیونیست‌ها در غزه و گسترش جنگ و جنایت به جنوب لبنان و سپس آغاز جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم با همراهی رئیس جمهور پلید و اهریمن صفت آمریکا و ارتش تروریستی این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران امروز بیش از هر زمانی ماهیت تروریستی و جنایتکارانه این رژیم بر همگان آشکار شده است. استمرار حمایت همه‌جانبه تسلیحاتی و سیاسی آمریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی و نیز همنوایی و همدستی دولت‌های مترجع منطقه‌ای از این رژیم، آنها را تبدیل به شرکای جنایات ارتكابی نموده و مسئولیت بین‌المللی آنها به‌خاطر نسل‌کشی و جنایات جنگی رژیم صهیونیستی را یادآوری و مورد تأکید قرار می‌دهد.

این بیانیه در هم آمیختن خون‌های مطهر شهیدان ایرانی و فلسطینی در راه آزادی قدس شریف و دفاع از آرمان‌های اسلامی به ویژه قائد شهید امت، امام سید علی خامنه‌ای (اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)، شهید اسماعیل هنیه، شهید سید حسن نصرالله و شهید سیهید حاج قاسم سلیمانی و دیگر شهدای مقاومت را ضامن اتحاد مقدس مسلمین در برابر مستکبرین توصیف و تصریح کرده است: امروز گفتمان مقاومت ضد سلطه و ضد صهیونیستی در عرصه بین‌المللی به پویایی و تأثیرگذاری کم‌نظیری دست یافته است. امواج خروشان بیداری و حمایت از ملت مظلوم فلسطین در سراسر جهان، در قالب اعتراضات گسترده و محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی، نشان از آن دارد که وجدان‌های بیدار جهانی، فریب تبلیغات فریبنده مدعیان دروغین حقوق بشر را نخواهند خورد.

این بیانیه در پایان خونخواهی رهبر شهید انقلاب و شهید اسماعیل هنیه، قطعی و پاسخ به این جنایت‌های بزرگ، را سخت و کوبنده قلمداد و با تأکید بر اینکه توطئه خلع سلاح حماس راه به جایی نخواهد برد و از هم اکنون شکست خورده است تصریح کرده است: راه شهید هنیه، راه عزت، کرامت و آزادی است و این راه تا تحقق کامل آرمان‌های فلسطین و نابودی غاصبان قدس شریف، تلاوم خواهد یافت. ما به جهانیان نوید می‌دهیم که سرافرازی مقاومت ضدصهیونیستی خلل ناپذیر و به فضل الهی پیروزی نهایی فلسطین در برابر اشغالگران، نزدیک‌تر از آن چیزی است که دشمنان تصور می‌کنند.

تأمین امنیت ملی یا خسران جغرافیایی؟



می‌یابد. اگرچه کنوانسیون به این نابرابری جغرافیایی اشاره کرده، اما در بند ۳ ماده ۷، تعیین دقیق فرمول خطوط مبدأ و مرزها را به موافقت‌نامه جدانگاری در آینده موکول ساخته است.

یکی دیگر از جدی‌ترین انتقادات فنی و اقتصادی به کنوانسیون ۲۰۱۸، نحوه مواجهه آن با مسئله «زیربستر» و منابع عظیم نفت و گاز نهفته در آن است. بر خلاف پهنه آبی خزر که تکالیف دریانوردی و شیلات آن مشخص شد، کنوانسیون از تعیین تکلیف زیربستر شانه خالی کرد و طبق ماده ۸، مالکیت و خطوط مرزی بستر و زیربستر را به «توافق‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه میان کشورهای ذی‌نفع» واگذار نمود.

این ساختار عملاً دست کشورهای شمالی خزر (روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان) را که از سال‌ها قبل بر اساس الگوی «خط منصف اصلاح‌شده» بستر را میان خود تقسیم کرده و وارد مرحله استخراج نفت و گاز شده بودند، باز گذاشت؛ اما ایران را در جنوب خزر منضّر کرد. از آنجا که سواحل ایران مقرر است و عمیق‌ترین و دشوارترین بخش‌های زیربستر خزر در سمت جنوب قرار دارد، مشخص نشدن فرمول تقسیم زیربستر سبب شده تا وضعیت میدان‌های نفتی و گازی مشترک و ارزشمندی مانند میدان البرز (که آذربایجان آن را سردار جنگل Araz-Alov-Sharg می‌نامد) در حاله‌ای از ابهام باقی بماند. ایران به دلیل عدم احراز مالکیت

رسمی بر این بخش از زیربستر و ریسک‌های بالای حقوقی، توان جذب سرمایه‌گذاری خارجی یا استخراج مستقل را از دست داده، در حالی که همسایگانش بدون معطل ماندن برای توافق نهایی، در حال برداشت از ثروت‌های زیرآزمینی خزر هستند. در نهایت، یکی دیگر از نکات بسیار منفی و زیان‌بار کنوانسیون برای اقتصاد انرژی ایران، ماده ۱۴ و مجوز احداث لوله‌های نفت و گاز از کف دریا است. این ماده اجازه می‌دهد که کشورهای ساحلی بدون نیاز به رضایت تمام ۵ کشور و تنها با موافقت کشورهای میانی که لوله از بخش آنها عبور می‌کند، خطوط انتقال انرژی در بستر خزر احداث کنند. این بند در واقع جاده‌صاف‌کن اجرای «خط لوله ترانس-کاسپین» برای انتقال مستقیم گاز ترکمنستان و آذربایجان به اروپا خواهد بود؛ پروژه‌ای که ایران را از عواید هتنگفت ترانزیت و سوآپ انرژی محروم کرده، نقش ژئوپلیتیک کشور را به‌عنوان هاب انرژی منطقه تضعیف می‌کند و شریان‌های اقتصادی را از روی سر ایران عبور می‌دهد.

همکاری‌های فرامرزی در حوزه امنیت انتظامی و مرزی است. مواد ۱۱ و ۱۲ سند آکائو، کشورهای ساحلی را مکلف به همکاری مشترک در زمینه مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، صید غیرمجاز و جرم سازمان‌یافته می‌کند.

با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه و تهدیدات ناشی از گروه‌های تروریستی یا باند‌های قاچاق در حاشیه خزر، این تصرها بستر ی قانونی را فراهم می‌آورند تا دستگاه‌های امنیتی و مرزبانی ایران بتوانند با تبادل اطلاعاتی و عملیات‌های هماهنگ با چهار کشور دیگر، امنیت نوار شمالی کشور را تقویت کنند.

از سوی دیگر، تعیین ۱۵ مایل دریایی به عنوان آب‌های سرزمینی تحت حاکمیت مطلق و ۱۰ مایل منطقه انحصاری ماهیگیری (مجموعاً ۲۵ مایل)، انضباط حقوقی و مرزی شفافی را برای مرزبانی و شیلات ایران ایجاد کرد. همچنین ثبت اصل «اجماع در تصمیم‌گیری‌ها» به این معناست که هیچ پروژه یا تصمیم کلانی در خزر بدون رضایت ایران به سرانجام نخواهد رسید و قدرت وتوی حقوقی کشور را تضمین می‌کند. در بعد بازرگانی و ترانزیت، کنوانسیون آکائو رژیم دریانوردی شفافی را برای هر پنج کشور ایجاد کرده است. بر اساس مواد ۳ و ۱۰ این سند، مابقی سطح دریا (ساواری ۲۵ مایل آب‌های سرزمینی و صیادی) به عنوان «پهنه مشترک دریانوردی» تعیین شده است.

این بدان معناست که ناوگان تجاری و کشتیرانی ایران حق دارد تحت پرچم ملی کشور، به صورت آزادانه در تمامی سطح دریای خزر دریانوردی کند. این مسئله با حذف خطرات ناشی از اعمال رفتارهای تبعیض‌آمیز یا توقیف‌های غیرقانونی، امنیت ترانزیت در مسیرهای شمال-جنوب و ناوگان تجاری ایران در خزر را به طور کامل تضمین می‌نماید.

اما با عبور از ظاهر امنیتی معاهده، نکات منفی، چالش‌ها و خسارت‌های عمیق حقوقی و اقتصادی آن برای ایران نمایان می‌شود. نخستین ضربه

کاراری کنوانسیون آکائو، کنار گذاشتن و بی‌اهمیت انگاشتن عهدنامه‌های تاریخی ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی بود. در آن قراردادها، خزر یک «دریاچه مشترک» و مشاع تلقی می‌شد که در آن دو کشور حقوقی کاملاً برابر داشتند و دکترین حقوقی ایران پس از فروپاشی شوروی نیز بر پایه حفظ رژیم مشاع یا تقسیم مساوی خزر به ۵ سهم ۲۰ درصدی استوار بود. کنوانسیون ۲۰۱۸ عملاً روح این معاهدات تاریخی را ابطال کرد و با اتخاذ منطق دریاهای آزاد، سهم ۵۰ یا ۲۰ درصدی ایران را از رسمیت انداخت و موقعیت چانه‌زنی کشور را از حالت تهاجمی به وضعیتی مدافعانه تنزل داد.

بزرگ‌ترین گره و چالش منفی این سند، پلاتکلیفی مطلق در تعیین مرزها و منابع نفت و گاز به دلیل فرم ویژه ساحل ایران است. سواحل ایران در جنوب خزر برخلاف سواحل گوژپشت و جزیره‌دار همسایگان شمالی، سفت، صاف و فرورفته (مقعر) است. اگر تقسیم دریا بر اساس روش‌های رایج بین‌المللی مانند «خط منصف» انجام شود، سهم ایران از کل خزر و بستر آن به رقمی ناچیز در حدود ۱۱ تا ۱۳ درصد تقلیل

■ ماجرای رژیم حقوقی دریای خزر در مردامه‌ها سال ۱۳۹۷ وارد فصلی تازه شد؛ زمانی که سران پنج کشور ساحلی در شهر «آکائو» قزاقستان گرد هم آمدند تا پس از بیش از دو دهه چانه‌زنی‌های سخت، سندی را امضا کنند که از آن به عنوان قانون اساسی جدید خزر یاد می‌شود. این کنوانسیون با هدفت پایان دادن به پلاتکلیفی‌های حقوقی، تنظیم روابط امنیتی، تعیین ابعاد کشتیرانی و ارتقای همکاری‌های زیست‌محیطی تدوین شد .

اما این متن برطلمطراق، در بطن خود پیچیدگی‌ها، تعارض‌ها و پرسش‌های بنیادینی را پنهان کرده است که سایه سنگین آنها بیش از هر کشور دیگری بر سر منافع ملی ایران سنگینی می‌کند و برای درک ابعاد گوناگون این سند، باید از میان لایه‌های امنیتی، حقوقی و جغرافیایی آن عبور کرد.

اگر از منظر ارزیابی دستاوردها به این معاهده نگریسته شود، برجسته‌ترین و بی‌دلیل‌ترین پیروزی ایران در کنوانسیون آکائو، در حوزه امنیت ملی و مهار نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای رقم خورده است. بر اساس بند ۳ ماده ۱۳ این سند، حضور هرگونه نیروی نظامی، شناور و پایگاه متعلق به کشورهای غیرساحلی به‌ویژه آمریکا و اعضای ناتو در پهنه آبی و هوایی خزر به طور کامل و مطلق ممنوع گردید.

علاوه بر این، کشورهای ساحلی متعهد شدند که جغرافیا، سواحل و قلمرو خود را در اختیار هیچ قدرت ثالثی برای انجام اقدامات متخاصمانه، تجسسی یا نظامی علیه سایر همسایگان قرار ندهند. این دستاورد برای ایران که در حوزه‌های جنوبی و غربی خود با جبهه‌های متعددی از فشارهای منطقه‌ای مواجه است، مرزهای شمالی را به منطقه‌ای امن و دور از ستاربوهایی مداخله نظامی بیگانه تبدیل خواهد کرد.

دومین نکته مثبت حقوقی، تثبیت رسمی وضعیت نامساعد جغرافیایی ایران در یک سند بین‌المللی است؛ موضوعی که ابزار چانه‌زنی مناسبی برای دیپلماسی کشور فراهم می‌آورد. در ماده ۱ کنوانسیون و ذیل تعریف خطوط مبدأ، پذیرفته شد که اگر شکل خاص ساحل، کشوری را در موقعیت ناخرسند و نامناسبی قرار دهد، این نابرابری در تدوین فرمول‌های مرزی لحاظ خواهد شد.

همچنین از منظر حقوق بین‌الملل، ماده ۱ کنوانسیون موفق شد به سال‌ها مناقشه بر سر تعریف فنی این پهنه آبی پایان دهد. در این ماده، خزر نه به عنوان یک «دریاچه معمولی» و نه به عنوان «دریا» تابع کامل کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاه (UNCLOS) شناخته شد؛ بلکه وضعیت آن به عنوان یک «پهنه آبی محصور در خشک و ویژه و منحصربفرد» به ثبت رسید.

همچنین درج رسمی نام «دریای خزر» (Caspian Sea) در متن بین‌المللی معاهده، هویت حقوقی و جغرافیایی آن را تثبیت کرد و راه را بر ادعاهای ساختگی یا تحمیل مقررات بین‌المللی دریاهای آزاد که به ضرر کشورهای ساحلی بود، بست.

یکی دیگر از جنبه‌های عملیاتی این کنوانسیون، ایجاد چارچوب قانونی و



استفاده از نیروی جانفدا در بستر «نابازاری»

در نسبت با این پرسش مهم که اگر امکان فعال سازی و سازماندهی ۳۰ میلیون جانفدا وجود داشته باشد مهم‌ترین و اولویت دارترین حوزه یا حوزه‌هایی که می‌شود به کار گرفت من ترجیح می‌دهم بحث را از نیاز جمهوری اسلامی و کشور شروع کنم. ما به دلیل جنگ، تحریم، محاصره اقتصادی، هزینه‌های سنگین بازسازی و پیشرفت کشور، نیازمند منابع مالی و نیروی انسانی هستیم تا بتوانیم پروژه بازسازی و بعد از آن پروژه پیشرفت را پیش ببریم. یکی از مهم‌ترین فرصت‌هایی که الان وجود دارد همین ۳۰ میلیون نفری هستند که در این پویش ثبت‌نام کرده‌اند. برای توضیح نحوه

استفاده از این ظرفیت، لازم است ابتدا مفهوم «نابازار» را توضیح بدهم. نابازار یعنی وضعیتی که در آن خدمات بدون مبادله مالی مستقیم انجام می‌شود. مثلاً خانواده ایرانی یک نابازار است. خدماتی که مادر یا اعضای خانواده انجام می‌دهند، اگر در ساختارهای فردگرایانه و تکوالد اروپایی نخواهد ارائه شود، بسیار پرهزینه می‌شود؛ از نگهداری فرزند تا تهیه غذا و خدمات دیگر.

هرچقدر بتوانیم بخشی از مناسبات انسانی را در بستر «نابازار» پیش ببریم، هم توسعه را تسهیل می‌کنیم، هم کیفیت زندگی را بالا می‌بریم و هم هزینه‌ها را کاهش می‌دهیم. مثلاً اگر دولت نخواهد پروژه مسکن اجرا کند، باید برای همه مراحل آن هزینه کامل بدهد؛ از لوله‌کشی و فونداسیون تا برق‌کاری و نازک‌کاری؛ اما وقتی همان پروژه به مردم واگذار می‌شود، با هزینه بسیار کمتری انجام می‌شود، چون نابازار شکل می‌گیرد؛ یکی از اقوام لوله‌کشی بلد است، یکی گچ‌کاری بلد است و خدمات را با هزینه کمتر یا بدون سود اقتصادی انجام می‌دهد. در موقعیت نابازار، خدماتی شکل می‌گیرد که خارج از محاسبات رسمی ماست و با کمترین هزینه، نیازها را برطرف می‌کند. به همین دلیل، ما می‌توانیم این ۳۰ میلیون نفر را به‌عنوان یک ظرفیت نابازاری ببینیم؛ افرادی که تخصص‌ها و توانمندی‌هایی دارند و می‌توانند در یک بازه زمانی آن را در خدمت کشور قرار دهند.

ما پیش‌تر هم چنین تجربی‌ری را در قالب جهاد سازندگی داشتیم، مجموعه‌ای از انسان‌های انگیزهمند وارد میدان شدند و بخش مهمی از زیرساخت‌های امروز کشور، از برق و آب و گاز تا راهسازی، حاصل همان تجربه است. معمولاً نهادهای‌های بزرگ در شرایط بحران و دگرگونی شکل می‌گیرند. بعد از انقلاب، سپاه، بسیج و جهاد سازندگی در چنین شرایطی شکل گرفتند. البته تجربه جهاد سازندگی نشان داد هرچه یک نهاد به بروکراسی دولت نزدیک‌تر شود، کارآمدی اولیه‌اش را از دست می‌دهد. جهاد سازندگی وقتی در ساختار وزارت کشاورزی ادغام شد، آن کیفیت اولیه را از دست داد، با اینکه همان نیروهای انسانی هنوز حضور داشتند.

الان هم ما با یک نیروی انسانی انگیزهمند روبه‌رو هستیم؛ انسان‌هایی که فقط در یک نظرسنجی نگفت‌اند ایران را دوست دارند، بلکه در شرایط جنگی اعلام کرده‌اند حاضرند برای کشور جان بدهند. این فقط یک گرایش ذهنی نیست، بلکه نوعی آمادگی برای عمل است. حتی اگر بخشی از این افراد بعدها انصراف بدهند، باز هم مهم است که خود ایده‌آل ذهنی‌شان، انسان اثرگذار برای میهن بودن است و این سرمایه بسیار بزرگی است. به نظر من می‌شود این نیرو را به‌صورت نهادمند و تشکیلاتی در مسیر بازسازی و پیشرفت کشور به کار گرفت. اگر بخوایم تاریخ جمهوری اسلامی را تقسیم‌بندی کنیم، ابتدا دوره تأسیس را داشتیم، بعد دوره تثبیت، و الان در مرحله بالندگی و پیشرفت هستیم؛ مرحله‌ای که کشور نیازمند نیروی پیشران است.

نکته مهم دیگر این است که نیروی محرک این ۳۰ میلیون نفر، ترکیبی از اسلام سیاسی و میهن‌دوستی است. این دو برای آن‌ها در تعارض نیستند و همین می‌تواند یک نیروی تاریخی بزرگ ایجاد کند. به نظر من باید از دل این پویش، نهادهی شبیه جهاد سازندگی شکل بگیرد؛ نهادهی که بتواند این ظرفیت انسانی را سازماندهی کند و در پروژه‌های بازسازی، خدمات درمانی، مهندسی، زیرساختی و اجتماعی به کار بگیرد. من پزشکان فوق‌تخصصی را دیدم که در خیابان حضور داشتند و پرچم دست گرفته بودند. این آدم‌ها می‌خواهند نقش بیشتری ایفا کنند، فقط باید عرصه آن فراهم شود. آن چیزی که می‌تواند این عرصه را فراهم کند، تشکیلی است که نیازهای کشور را شناسایی کند، این نیروها را سازماندهی کند و در موقعیت نابازار از آن‌ها برای پیشرفت کشور استفاده کند. به نظر من اگر از این جنگ بخوایم، یک آوره بزرگ داشته باشیم، یکی از مهم‌ترین آن‌ها می‌تواند تسک‌کنایی این نیروی انسانی عظیم باشد. این نیرو تا همین‌جا هم اثر بزرگی گذاشته و توانسته فضای اجتماعی و خیابان را تغییر دهد، اما ظرفیت بسیار بیشتری از این دارد؛ به شرط اینکه ساختار مناسبی برای مشارکت و سازماندهی آن ایجاد شود.به نظر من مهم‌ترین اقدام، شکل دادن یک تشکل شبکه‌ای و مردمی از دل همین پویش است؛ تشکلی که شبیه ساختارهای سنتی بروکراتیک نباشد. البته این تشکل طبیعتاً در حوزه‌های مختلف با نهادهای موجود همپوشانی کارکردی خواهد داشت؛ از وزارت نیرو گرفته تا وزارت بهداشت و سایر بخش‌ها. اما این نباید ما را تگران کند، چون تفاوت اصلی اینجاست که نهادهای رسمی در منطق بازار و بروکراسی عمل می‌کنند، اما این ساختار قرار است در منطق نابازار و مشارکت مردمی عمل کند.نواوری اصلی این تشکل باید در شبکه‌ای بودن آن باشد، نه در ساختار هرمی و بالا به پایین. ساختارهای بروکراتیک سنتی درختی هستند؛ از بالا به پایین شاخه‌شاخه می‌شوند. اما این مدل باید شبکه‌ای و مشارکت‌محور باشد. به نظر من این تشکل نباید ذیل دولت‌ها و کابینه‌ها تعریف شود، چون دولت‌ها ماهیت سیاسی دارند و خیلی سریع وارد رقابت‌های جناحی می‌شوند. این نیرو باید احساس کند در خدمت ایران است، نه در خدمت یک جریان سیاسی. به همین دلیل، مقدمه راهبری چنین تشکلی می‌تواند ذیل نهاد ولایت فقیه باشد، نه ذیل دولت یا نهادهای اجرایی. در این صورت، از آسیب‌های سیاسی و جناحی دور می‌ماند و می‌تواند نقش فراگیرتری داشته باشد.

ماجرای تب کردن آیت‌الله قوچانی در مسیر کربلا

■ مراسم پیاده روی کربلا در روز اربعین، از دیرباز در میان مجبان اهل بیت اهمیت بسزایی داشته و علما و مراجع نیز همگام با مردم عراق و دیگر سرزمین‌های اسلامی در این مراسم معنوی شرکت می کنند. زیارت امام حسین (ع) نیز با پای پیاده مورد سفارش بسیاری قرار گرفته و امام صادق می‌فرمایند هر که پیاده به زیارت او رود هر گامی که بردارد و بگذارد ثواب آزاد کردن بندهای از اولاد اسماعیل را دارد و در روایت دیگری نیز می‌فرمایند هر که پیاده به زیارت قبر امام رود، خداوند متعال به عدد هر گام برای او هزار حسنه می‌نویسد و هزار گناه را از او محو می‌کند و روایات در این باب بسیارند.

حاکمان حکومت‌های شیعی مانند حکومت آل بویه و حکومت صفویه، به این سنت حسنه اقدام کرده و سعی در تبلیغ آن بین شیعیان داشته اند. بنا به نوشته ابن جوزی جلال الدولمه یکی از نوادگان عضدالدوله، در سال ۴۳۱ ق با فرزندان و جمعی از یاران خود برای زیارت رهسپار نجف شده و از خندق شهر کوفه تا مشهد امیرالمؤمنین در نجف را که یک فرسنگ فاصله بود، پیاده و با پای برهنه پیمود.

در زمان حکومت صفویه نیز اهتمام بسیاری بر زیارت با پای پیاده صورت گرفته است شاه عباس صفوی و علمای بزرگ عصر ایشان همچون مرحوم شیخ بهایی برای رواج فرهنگ زیارت در بین مردم در سال ۱۰۰۹ ق از اصفهان عزم مشهد کرده و با پای پیاده به زیارت امام علی بن موسی الرضا رفت.

بیماری آیت الله نجفی قوچانی در راه کربلا و توسل به امام کاظم(ع)

آیت الله سید محمد حسن نجفی قوچانی معروف به آقا نجفی قوچانی متولد ۱۲۹۵ قم ر ی/۱۲۵۶ شمسی و متوفی ۱۳۲۳ شمسی از عالمان و فقیهان قرن چهاردهم قمری به شمار می‌آید وی از شاگردان برجسته میرزا جهانگیر خان قشقائی و آخوند خراسانی بوده که در سن ۳۰ سالگی به درجه اجتهاد رسید.

آقا نجفی تحصیلات حوزوی را از زادگاهش آغاز و در ۱۳ سالگی به مشهد رفت و در مدرسه دو درب و پریزاد ادبیات و سطح را تا قوانین فرا گرفت در ۱۹ سالگی همراه یکی از همدرسانش به اصفهان رفت و در مسجد عربون ساکن گردید.

در اصفهان منظومه حاج ملاهادی سبزواری را نزد آخوند کاشی رسائل را نزد شیخ عبدالکریم گزی و حکمت را نزد میرزا جهانگیرخان قشقایی فراگرفت. گاهی نیز در درس فقه و خارج محمدمتقی آقا نجفی اصفهانی حاضر می‌شد.

تحصیلات آقا نجفی قوچانی در مشهد و اصفهان با دشواری بسیار همراه بود، چنان که گاه ناچار می‌شد برای گذران زندگی کار کند و یا برخی از کتابهای خود را به پهای اندک بفروشد.

سید محمد حسن در سال ۱۳۱۸ قمری و در سن ۲۳ سالگی پس از چهار سال توقف در اصفهان با یکی از دوستانش که شاگردش نیز بود، پیاده عازم عتبات عالیات گردید چون به نجف رسید در حجره‌ای واقع در یکی از مدارس شهر ساکن شد و در درس آخوند خراسانی شرکت می‌کرد همین امر موجب شد تصمیم بگیرد برای ادامه تحصیل در نجف بماند و توانست در ۳۰ سالگی به درجه اجتهاد برسد. او همچنین از محضر بزرگانی چون شریعت اصفهانی و محمدباقر اصطهباناتی نیز بهره برد.

ایشان در سال ۱۳۲۸ قمری، پس از آگاه شدن از فوت پدرش، پس از بیست سال زندگی در نجف به ایران بازگشت. وی ابتدا برای زیارت

■

■

■ مرحوم آیت‌الله مجتبی تهرانی در دوره اقامت تحصیلی در نجف اشرف، به صورت مستمر با پای پیاده به زیارت کربلای معلی مشرف می‌شد. زیارت با پای پیاده بزرگداشتی است که از گذشته بوده و اختصاص به زمان خاصی ندارد همانگونه که نقل شده حضرت آدم هزار بار به زیارت خانه خدا رفت؛ در حالی که این مسیر را به وسیله قدم‌هایش پیمودامام صادق (ع) محبوب‌ترین وسیله تقرب بنده به خداوند را زیارت خانه او با پای پیاده دانسته و می‌فرمایند یک حج با پای پیاده برابر با هفتاد حج است.

تشراف با پای پیاده به بارگاه ائمه اطهاره نیز مورد تأکید بسیاری قرار گرفته و امام صادق (ع) می‌فرمایند: هر که پیاده به زیارت امیر مؤمنان می‌رود خداوند متعال به هر گامی ثواب یک حج و یک عمره برای او می‌نویسد، و اگر پیاده برگردد، به هر گامی برای او ثواب دو حج و دو عمره می‌نویسد

زیارت امام حسین (ع) نیز با پای پیاده مورد سفارش بسیاری قرار گرفته و امام صادق می‌فرمایند هر که پیاده به زیارت او رود هر گامی که بردارد و بگذارد ثواب آزاد کردن بندهای از اولاد اسماعیل را دارد و در روایت دیگری نیز می‌فرمایند هر که پیاده به زیارت قبر امام رود، خداوند متعال به عدد هر گام برای او هزار حسنه می‌نویسد و هزار گناه را از او محو می‌کند و روایات در این باب بسیارند.

اهل بیت نیز به این سنت نیکو اقدام کرده اند و نقل شده است که امام حسن مجتبی بیست و پنج مرتبه از مدینه با پای پیاده به زیارت خانه خدا رفتند.

امام حسن در مسیر زیارت خانه خدا، از مرکب پیاده شده و مسافت بین مدینه تا مکه را با پای پیاده طی نموده و تمام کاروان نیز به تآسی از ایشان از مرکب پیاده شدند؛ به گونه‌ای که دیگر سواره ای در کاروان وجود نداشت.

در روایت دیگری نیز بیان شده است که امام حسین راه را پیاده می‌پیمود در حالی که محمل‌ها و جهاز‌ها در کنار ایشان حرکت می‌کردند

از نقل‌های تاریخی این گونه به دست می‌آید که تشرف به بارگاه ائمه اطهار با پای پیاده از زمان حضور ائمه رایج بوده ولی در قرن‌های گوناگون اسلامی و به مقتضای حکومت‌های مختلف سیاری به خود دیده و همان گونه که زیارت ائمه اطهار در زمان‌ها و مکان‌های مختلف دچار فراوان بوده این سنت نیز دارای قیاز و تشبیه بوده است. حاکمان حکومت‌های شیعی مانند حکومت آل بویه و حکومت صفویه، به این سنت حسنه اقدام کرده و سعی در تبلیغ آن بین شیعیان داشته اند. بنا به نوشته ابن جوزی جلال الدولمه یکی از نوادگان عضدالدوله، در سال ۴۳۱ ق با فرزندان و جمعی از یاران خود برای زیارت رهسپار نجف شده و از خندق شهر کوفه تا مشهد امیرالمؤمنین در نجف را که یک فرسنگ فاصله بود، پیاده و با پای برهنه پیمود.

در زمان حکومت صفویه نیز اهتمام بسیاری بر زیارت با پای پیاده صورت گرفته است شاه عباس صفوی و علمای بزرگ عصر ایشان همچون مرحوم شیخ بهایی برای رواج فرهنگ زیارت در بین مردم در سال ۱۰۰۹ ق از اصفهان عزم مشهد کرده و با پای پیاده به زیارت



به مشهد رفت.

پس از توقفی کوتاه در مشهد، به درخواست مردم قوچان وارد این شهر شد و تا آخر عمر در آنجا ماندگار گشت وی متجاوز از ۲۵ سال از عمر خود را در مقام فقاقت و حاکمیت شرع در قوچان گذراند و به اداره حوزه علوم دینی پرداخت.

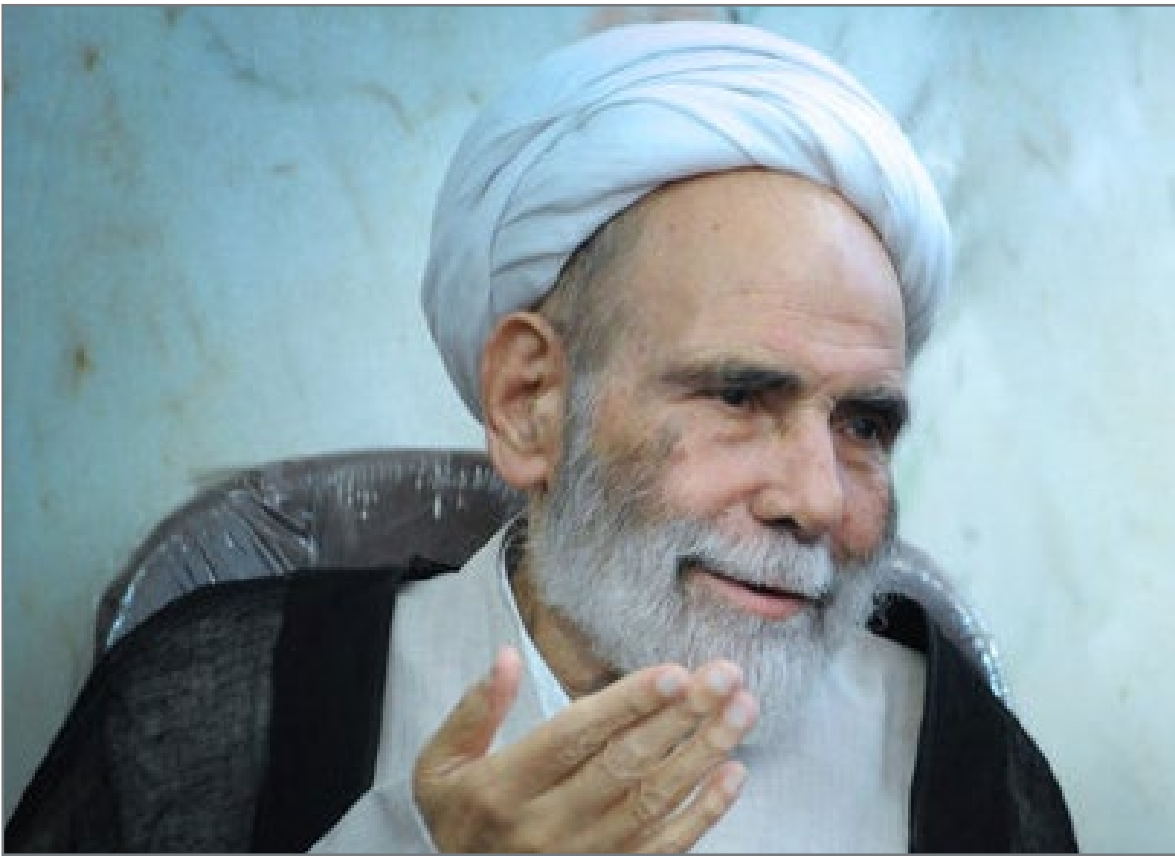
آقاجنفی در ماه‌های رمضان به قم می‌رفت و گاه در حجره استاد مطهری می‌ماند ایشان دارای تألیفات بسیاری است که مشهورترین آنها دو کتاب «سیاحت شرق» و «سیاحت غرب» هستند.

در دوره‌ای که در نجف بودند، مکرر به زیارت عتبات مقدسه مشرف می‌شدند ایشان می‌گوید: «هر دو تصمیم گرفتیم به کربلا برویم اما تب شدیدی گرفتم شام خوردم و طبق معمول عبای خود را به دور خودم پیچیدم و خوابیدم.

درد به شدت در استخوان‌هایم بالا می‌رفت و من در عالم فکر و خیال به زمزمه دلی و گفتگوی معنوی با امام موسی بن جعفر مشغول شدم که: راه‌ها و بیابانها را طی کردم در حالی که پناهگاه خود را رها کردم که برای حفظ سلامتی از آن بهره می‌بردم و هیچ بلا و بیماری به سرم نیامنده بود.

اما اکنون که به پایوسی شما و ایستان زیر پرچم شما رسیده ام و وارد دژ دیارت شدم از سختی راحت شدم و از ترس و وحشت در این دیار

نذری که ادا شد



امام علی بن موسی الرضا رفت.

آیت الله مجتبی تهرانی استاد اخلاق و مدرس حوزه علمیه تهران بودند. ایشان تحصیلات مقدماتی را از حوزه علمیه تهران و مشهد آغاز نمود ولی عمده تحصیلات حوزوی او در سال ۱۳۳۴ ش در قم آغاز شد و در ۲۵ سالگی به اجتهاد رسید به درخواست استاد خود امام خمینی به جمع آوری فتاوا و تنظیم صحیح ترین نسخه از رساله عملیه و مناسک حج امام خمینی پرداخت که در سال ۱۳۴۳ شمسی به چاپ رسید.

آیت الله تهرانی از سال ۱۳۴۷ شمسی به مدت سه سال به نجف اشرف مهاجرت نمود و در درس خارج فقه و اصول آیت الله سید محسن حکیم و آیت الله خویی شرکت کرد ایشان از سال ۱۳۵۱ شمسی ضمن اقامه نماز جماعت در مسجد جامع بازار مسجد جامع تهران، جلسات اخلاق و تفسیر داشت و دروس خارج خود را در منزل و سپس در مدرسه مروی ارائه داد.

ایشان که در دوره اقامت در نجف اشرف، به صورت مستمر با پای پیاده به زیارت کربلای معلی مشرف می‌شد از خاطرات آن روزها می‌گوید: یک سال از طریق کنار شط به کربلا می‌رفتیم این طریق دو برابر مسافت جاده، اما با صفا بود، من و مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی جلو می‌رفتیم و تعدادی از طلاب و چهره‌های شناخته شده هم

غربت امان یاقتم با فقر و بدبختی و پیاده روی فردا با وجود این که از بارهای دلم چیزی سبک نکردی بار این درد را بر دوش ما می افزایی؟! فدایت شوم، بسیار مهمان نوازی کردی و اگر فردا قصد نداشتم شش فرسخ پیاده روی کنم هیچ درد و تبی برایم مهم نبود و حرف اعتراضی بر زبان نمی‌آوردم و خودت حد استقامت و بردباری من در سختی‌ها را میدانی، اما راه چاره چیست در ۶ فرسخی که فردا باید آن را پیاده طی نمایم. علاوه بر پرستاری از میرزا حسن، فکر کن که در چه شرایطی به این تب مبتلا شدم؟

در حالی که غرق در افکارم شده بودم عرق از من سرازیر شد و راحت شدم و خواب بر من چیره شد. صبح از خواب برخاستیم و بعد از زیارت جای خوریدیم و از آقای خطیب که عازم سامرا شده بود خداحافظی کردیم در حالی که ما به سمت کربلا حرکت کردیم به اندازه‌ای سبک و پرانرژی بودم که احساس می‌کردم گویا اصلا تب نداشتم». این عالم ربانی در شب جمعه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۶۳ق/۱۳۲۳ شمسی در ۶۸ سالگی در قوچان در گذشت و در حسینه خود در همان شهر به خاک سپرده شد با آن که ایشان در هنگام مرگ در منطقه قوچان و حتی برخی شهرستانهای اطراف نفوذ معنوی داشت از مال دنیا چیزی نداشت.

اندیشه

عصاقانون

رتبه‌بندی آنتن‌های

حماسه عشق به مادر

■ تاریخ اسلام مالا مال از چهره‌هایی است که اگرچه در زمانه خود در زمره حاکمان، متمولان یا صاحبان قدرت‌های ظاهری نبوده‌اند، اما به واسطه عمق ایمان، طهارت نفس و ارادت قلبی به ساحت منور نبوی و علوی، نامی جاودان بر جریده عالم ثبت کرده‌اند. ابومعرو اویس بن عامر قرنی، از تیره «قرن» که شاخه‌ای از قبیله یمانی بزرگ «بنی‌مراد» (از قبیله بزرگ‌تر مذحج) بود، یکی از درخشان‌ترین و در عین حال متمایزترین این چهره‌هاست. او که در کلام معصومین و تواریخ فریقین به عنوان «سید التابعین» (سرآمد نسل بعد از صحابه) و یکی از «هءاد ثمانیه» (زاهدان هشت‌گانه صدر اسلام) شناخته می‌شود، نمونه‌ای بی‌بدیل از ارتباط روحی و پیوند قلبی با پیامبر اکرم (ص) است؛ پیوندی که مرزهای جغرافیایی و دوری مسافت را درنوردید و او را بدون آنکه هرگز جمال ظاهری رسول خدا (ص) را زیارت کند، در بالاترین مراتب تقرب و محرمیت اسرار قرار داد.

زندگی اویس آمیزه‌ای شگفت‌انگیز از پارسایی، طاعت پنهان، ایثار، مراقبت از مادر و در نهایت وفاداری تا پای جان در رکاب ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) است که بررسی ابعاد آن ابعاد عمیقی از حقیقت ایمان عرفانی و جهاد عملی را آشکار می‌سازد. ریشه‌ها، بستر اجتماعی و تجلی ایمان در دیار یمن

اویس در سرزمین یمن و در منطقه قرن دیده به جهان گشود. او زندگی بسیار ساده، فقیرانه و زاهدانه‌ای داشت و روزگار خود را از طریق شترچرانی و شبانی می‌گذراند. در منابع تاریخی آمده است که او با دستمزد ناچیزی که از این راه به دست می‌آورد، مایه معاش خود و مادر پیر، بیمار و ناتوانش را فراهم می‌ساخت و هر آنچه از این درآمد اندک اضافه می‌آمد، در راه خدا به نیازمندان انفاق می‌کرد.

در سال دهم هجرت، هنگامی که پیامبر اکرم (ص) حضرت علی (ع) را برای تبلیغ دین مبین اسلام به یمن فرستادند، بارقه‌های هدایت بر جان مشتاق اویس تابید. او با شنیدن اوصاف پیامبر اسلام و استماع دعوت توحیدی امیرالمؤمنین (ع)، بدون هیچ‌گونه تردیدی به اسلام گروید و در زمره مبلغان و ترویج‌کنندگان این آیین آسمانی در دیار خود درآمد. این ایمان سرشار، از اویس شخصیتی عارف و داناآنگز ساخت که تار و پود وجودش با معارف الهی تنیده شده بود.

او هرگز به دنیا و زخارف آن دلبستگی نداشت و کار و تلاش روزانه را نه وسیله‌ای برای انباشت ثروت، بلکه ابزاری برای گذران آبرومندانه زندگی و نوعی عبادت قلمداد می‌کرد. زهد اویس، زهد عزلت‌نشینی بی‌هدف نبود، بلکه برخاسته از شناخت عمیق ناپایداری دنیا و تقرب به ساحت قدس الهی بود.

پیوند فرامکانی با نبوت و حماسه عشق به مادر

یکی از شگفت‌انگیزترین فرازهای زندگی اویس قرنی، ماجرای اشتیاق سوزان او برای دیدار ظاهری رسول خدا (ص) و مانع مقدسی است که او را از این توفیق بازداشت. شوق دیدار پیامبر صلوات‌الله‌علیه سرتاسر وجود اویس را فراگرفته بود، اما او در یمن مادری پیر و نابینا داشت که به شدت نیازمند مراقبت و پرستاری فرزندش بود. اویس میان دو وظیفه بزرگ و دو عشق عمیق قرار گرفته بود: از یک سو جاذبه دیدار با خاتم الانبیاء (ص) و از سوی دیگر فرمان الهی مبنی بر نیکی و رعایت حقوق والدین. او پس از اصرار فراوان، سرانجام توانست رضایت و اجازه مادر را برای سفر به مدینه کسب کند؛ اما مادر شرطی تعیین کرد و گفت: «اگر به مدینه رفتی و پیامبر در شهر نبود، بیش از نصف روز توقف نکن و به سرعت بازگرد.» اویس با شور و شغفی وصف‌ناپذیر رنج سفر طولانی از یمن به حجاز را به جان خرید و خود را به مدینه رساند. با رسیدن به پشت در خانه پیامبر، قلبش به شدت می‌تپید، اما در کمال ناباوری از خادم منزل شنید که پیامبر (ص) در مدینه حضور ندارند و به سفری بیرون از شهر رفته‌اند. اویس در دوراهی سختی گرفتار شد؛ او می‌توانست در مدینه بماند تا پیامبر بازگردد و به آرزوی دیرینش برسد، اما عهد او با مادر و امر به طاعت از والدین، مانع از نقض این شرط شد.او که می‌دانست روح پیامبر (ص) هرگز به بی‌احترامی به مادر راضی نیست، با چشمانی اشکبار و دلی شکسته، بدون آنکه محبوب خود را ببیند، سلامی بر درگاه خانه گذاشت و مسیر یمن را در پیش گرفت. هنگامی که رسول خدا (ص) به مدینه بازگشتند، بدون آنکه کسی سخنی بگوید، فرمودند: «این نور کیست که در این خانه مشاهده می‌کنم؟» اصحاب عرض کردند شتربانی از یمن به نام اویس به دیدار شما آمده بود و چون شما را نیافت، به دلیل عهده‌ی که با مادرش داشت بازگشت. پیامبر (ص) فرمودند: «آری، این نور اویس است که در خانه ما به هدیه گذاشته و خود رفته است.» این واقعه نشان داد که اطاعت از والدین و وفای به عهد، چطور می‌تواند انسانی را در چشم اولیای خدا عزیزتر کند، حتی اگر از دیدار ظاهری محروم بماند.

اویس در کلام رسول خدا (ص) و منزلت عرفانی او

مقامات معنوی اویس قرنی به مرتبای بود که پیامبر اکرم (ص) در زمان حیات خویش، بارها به عظمت وجودی او اشاره کرده و مشتاقان را به شناخت او دعوت می‌کردند. در روایات مشهور آمده است که پیامبر (ص) رو به سوی یمن می‌ایستادند و می‌فرمودند: «تَقَوُّ رِوَاثِ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ الْقَرْنِ، وَاشْوَاهَ إِلَیْکَ یَا أَوْسَ الْقَرْنِ»؛ یعنی نسیم‌های بهشت از سوی یمن می‌وزد، ای اویس قرن چقدر مشتاق توام! همچنین آن حضرت او را «نَفْسُ الرَّحْمَنِ» نامیدند و فرمودند من بوی خدا را از سمت یمن استشمام می‌کنم. پیامبر (ص) اوصاف ظاهری او را نیز برای اصحاب بیان فرموده بودند؛ از جمله اینکه چشمان سیاه مایل به کیودی دارد، گندمگون است، قامتی معتدل و چانه‌ای کشیده دارد، همواره از خوف خدا اشک می‌ریزد و بین دو کتف او نشان و اثر ماه‌گرفتگی (یا سپیدی پسی بر اثر بیماری برص که شفا یافته) وجود دارد.

ایران به نقطه ضعف ترامپ پی برده است



پایگاه خبری شبکه ۱۴ تلویزیون رژیم صهیونیستی اعتراف کرد که ایران به نقاط ضعف ترامپ پی برده و به بهترین شکل ممکن از آن استفاده می‌کند.

به اعتراف این رسانه، تا زمانی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور(تروریست) آمریکا بدون هیچ هدف راهبردی دچار سردرگمی باشد، ایران امتیازات بیشتری را در این تقابل کسب خواهد کرد و همین رویکرد سبب شد که با وجود قدرت عظیم نظامی آمریکا، توان بازدارندگی آن دچار ضربه شود.

در ادامه این گزارش آمده است: دونالد ترامپ از به‌کارگیری زور واهمهای ندارد، اما به‌نظر می‌رسد هنوز از به‌کارگیری قاطعانه آن هراس دارد. از یک سو به ایران حمله می‌کند و آن را به پرداخت بهایی سنگین تهدید می‌کند، و از سوی دیگر، در پی مذاکرات است و درب آتش‌بس را باز می‌گذارد.

این همان نتیجه، جنگی فرسایشی است، جنگی که برای آمریکا بدون هدف نهایی روشن ادامه دارد و این دقیقاً همان عرصه‌ای است که نظام ایران در آن مهارت دارد.

تهران درک می‌کند که ترامپ در بن‌بست قرار دارد. او نمی‌خواهد همه قواعد را زیر پا بگذارد و آمریکا را به جنگی منطقه‌ای پرهزینه و طولانی‌مدت بکشانند که راه خروج آسانی از آن وجود نخواهد داشت. در بخش دیگری از این یادداشت آمده است: ایران نیازی به شکست دادن آمریکا در میدان نبرد ندارد، چرا که به اختلاف در توازن قوا با قدرت آمریکا واقف است. برای این کشور همین بس که دوام

ترامپ و دروغ‌هایش، بازتاب جنگ علیه ایران

بر مسدود کردن تنگه هرمز اذعان می‌کند. این مقاله همچنین به گسترش دامنه جنگ به یک مناقشه منطقه‌ای، با حملات انصارالله یمن به کشتیرانی عربستان و حملات نیروهای مقاومت عراق به ریاض، اشاره دارد. در پایان، نویسنده به نقل از گروه محیط‌زستی «کالامیت پاور» فاش می‌سازد که «سیگ اوایل ۴۵۰ میلیون دلار برای نفوذ بر ترامپ و جمهوری‌خواهان هزینه کرده‌است» و نیویورک تایمز نیز از کمک ۷۵ میلیون دلاری مستقیم این صنعت به کارزار انتخاباتی ترامپ خبر داده است. این گزارش نشان می‌دهد که چگونه این جنگ پرهزینه به ابزاری برای ثروتمندوزی شرکت‌های بزرگ نفتی تبدیل شده است.

رسانه های عربی

الجزیره در مقاله ای نوشت: سیاست آمریکا در قبال چین طی دو دهه گذشته به‌تدریج از تلاش برای ادغام چین در نظم بین‌المللی به راهبرد مهار و رقابت با آن تغییر کرده است. این تحول از دوره اوپاوا و راهبرد «چرخش به آسیا» آغاز شد و در دوره ترامپ با جنگ تجاری و اعمال تعرفه‌ها شدت گرفت. دولت بایدن نیز با محدودیت‌های فناوری، تقویت ائتلاف‌هایی مانند آکوس و افزایش همکاری‌های نظامی، این مسیر را نهاده‌به کرد.

رقابت با چین اکنون تنها به شرق آسیا محدود نیست و بر سیاست آمریکا در خاورمیانه و آمریکای لاتین نیز اثر گذاشته است. واشنگتن ایران را تا حدی از منظر محدود کردن دسترسی چین به منابع انرژی و مسیرهای راهبردی منطقه می‌نگرد. در مقابل، چین با گسترش روابط اقتصادی و دیپلماتیک، از جمله میانجیگری میان ایران و عربستان، نفوذ خود را افزایش داده است.

در نهایت، نویسنده معتقد است چین به «متغیر ثابت» سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده و رقابت قدرت‌های بزرگ، خطر درهم‌تنیدگی بحران‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری رویارویی جهانی جدید را افزایش داده است.

المیادین در مقاله ای رقابت عربستان سعودی و ایران را نزاعی ژئوپلیتیکی بر سر نفوذ منطقه‌ای، امنیت انرژی و کنترل گذرگاههای حیاتی مانند تنگه هرمز و باب‌المندب می‌داند؛ به گونه ای که ریاض در سال ۲۰۲۶ همکاری امنیتی و اطلاعاتی خود با آمریکا و استکام را افزایش داده و در لبنان، یمن و عراق در جهت محدود کردن نفوذ متحدان ایران حرکت کرده است. هم‌زمان، عربستان تلاش می‌کند از طریق ائتلاف‌های دریایی، همکاری با کشورهای خلیج فارس و قدرت‌های بین‌المللی، امنیت مسیرهای کشتیرانی را تضمین کند.

نویسنده تأکید می‌کند که عربستان در برابر ایران رویکرد «مهار و بازدارندگی» را دنبال می‌کند، اما رقابت با ترکیه را قابل مدیریت می‌داند. از سوی دیگر، ریاض نسبت به تلاش ایران برای گسترش نفوذ سیاسی در میان جوامع شیعه کشورهای عربی حساس است و در عین حال از مسیر دیپلماتیک برای کاهش تنش با تهران حمایت می‌کند.

در نهایت، مقاله می‌گوید ایران می‌کوشد با ترکیب فشار نظامی نامتقارن و ابزارهای حقوقی و سیاسی، نقش اصلی در مدیریت تنگه هرمز را به دست گیرد؛ اما همکاری آمریکا و کشورهای خلیج فارس می‌تواند مانع این هدف شود. رأی الیوم در مقاله ای نوشت: سفر اخیر بنیامین نتانیاهو به واشنگتن نشانه تغییر مهمی در روابط آمریکا و اسرائیل بوده است.



اربعین فرصتی ماندگار

سید مجتبی ابطحی، دبیرکل «کمیته حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین»، در همایش «اربعین مقاومت اسلامی و برانث از دشمنان» که به همت کمیته فرهنگی آموزشی ستاد اربعین روز ۱۱ مرداد در کربلای معلی برگزار شد با بیان اینکه عملیات طوفان‌الاقصی اقدامی حیاتی و پیش‌دستانه در برابر طرح‌های شوم استکبار جهانی بود، تصریح کرد: دشمنان سال‌ها پیش از این عملیات، طرح فروپاشی کامل کشورهای اسلامی را کلید زده بودند. از ایجاد جنگ‌های نیابتی و فتنه داعش در عراق و سوریه گرفته تا نقشه اشغال تدریجی منطقه.

وی افزود: اگر ایشار مجاهدان و شهدای والامقامی همچون سنوار، هنیه، ضیف و ابوعبیده نبود، امروز هیچ نقطه امنی در جهان اسلام باقی نمی‌ماند. طوفان‌الاقصی تمامی این محاسبات خیثانه را برپاد داد.

دبیرکل کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین با اشاره به افول هژمونی آمریکا و رژیم صهیونیستی خاطرنشان کرد: امروز تمامی گزینه‌های نظامی استکبار به بن‌بست رسیده است. آمریکایی که زمانی تهدید به بازگرداندن ملت‌ها به عصر حجر می‌کرد، اکنون سر فرود آورده است.

وی تأکید کرد: نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم فرو ریخته و موج آگاهی، دانشگاه‌های مطرح غربی از جمله کملیا، آکسفورد و سوربن را فراگرفته است. این نخبگان امروز در سمت درست تاریخ ایستاده‌اند.

ابطحی با یادآوری نقش تمدن‌ساز حماسه اربعین گفت: اربعین عالی‌ترین مکتب برای تبدیل بزرگ‌ترین تهدیدها به ماندگارترین فرصت‌هاست؛ همان‌گونه که حضرت زینب (س) شکست‌خوردگان ظاهر را به فاتحان ابدی تاریخ بدل ساخت. راه حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس به ما آموخت که از هیچ تهدیدی ترسیم و مسیر ایستادگی را با اقتدار ادامه دهیم.

■ از آغاز تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، نه‌تنها اهداف اعلامی این عملیات محقق نشد، بلکه به اذعان مقامات غربی و رسانه های آمریکایی، بن‌بست راهبردی و شکست‌های میدانی و سیاسی بر متجاوزان تحمیل شد. این جنگ که با حملات گسترده و کشتار غیرنظامیان از جمله دانش‌آموزان بی‌گناه آغاز شد، به‌سرعت ابعاد انسانی، امنیتی و اقتصادی گسترده‌ای پیدا کرد و واکنش‌های متفاوتی را در رسانه‌های بین‌المللی برانگیخت.

رسانه‌های جهان هر یک با رویکردهای خاص خود، تلاش کرده‌اند روایت این جنگ را شکل دهند؛ بررسی این بازتاب‌ها می‌تواند تصویری روشن‌تر از وضعیت واقعی جنگ و چشم‌انداز آن ارائه دهد.

رسانه های انگلیسی

گاردین از عقب‌نشینی مجدد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از تهدیدات نظامی علیه ایران خبر داد و نوشت که وی با امید به دستیابی «سریع» به توافق، حملات برنامه‌ریزی‌شده را لغو کرده است. ترامپ در شبکه اجتماعی تروث سوشال مدعی شد که این توقف به درخواست ایران و کشورهای منطقه صورت گرفته است. با این حال، خبرگزاری مهر ایران با رد این ادعا، آن را «دروغی تازه» خواند و تأکید کرد که نیروهای مسلح ایران در آماده‌باش کامل هستند.

بر اساس این گزارش، این چرخش آشکار پس از تماس تلفنی محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، با ترامپ و ابزار نگرانی عمیق وی از پیامدهای حملات گسترده صورت گرفت. یک منبع آگاه به اکسپوس گفت که ولیعهد سعودی از ترامپ خواسته تا «از تنش بکاهد و از انجام حملات خودداری کند». «شمار قاطع ایران نیز در این عقب‌نشینی مؤثر بود؛ عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، به صراحت به هتایبان منطقه‌ای خود اعلام کرد که هرگونه اقدام ماجراجویانه آمریکا و اسرائیل با «پاسخی قاطع و متناسب» روبرو خواهد شد و نوب‌رنوز نیز هشدار داد که حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران، به هدف قرار گرفتن میداین نفتی عربستان، امارات و قطر منجر می‌شود.

گاردین می‌افزاید که هم‌زمان با این تحولات، کویت هدف حملات پهنادی ایران قرار گرفت و دو کشتی نیز در سواحل عمان در تنگه هرمز هدف اصابت قرار گرفتند. سی‌ی‌اس نیوز نیز از برنامه‌ریزی آمریکا و اسرائیل برای حملات مشترک آخر هفته به پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌های ایران خبر داده بود. این گزارش تصریح می‌کند که ترامپ به رغم لفاظی‌های تهدیدآمیز، بار دیگر مجبور به عقب‌نشینی شده است.

یواس‌ای تودی در یادداشتی طنزآمیز به قلم رکس هایپکه، با نگاهی انتقادی به تبعات اقتصادی جنگ ایران پرداخت. این مقاله از زبان یک مدیر نفتی نوشته شده که با لحنی استهزاآمیز، از سودهای کلان شرکتهای نفتی در سایه تداوم جنگ استقبال می‌کند. بر اساس آمارهای مندرج در این یادداشت، شرکت شورون در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶ معادل ۱۲.۱ میلیارد دلار سود خالص کسب کرده که افزایش پنج برابری نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد. همچنین اکسون‌موبیل با ۱۴.۵ میلیارد دلار سود، درآمد خود را بیش از دو برابر کرده است. هم‌زمان، متوسط قیمت هر گالن بنزین در آمریکا به ۴.۱۰ دلار رسیده است.

نویسنده با انتقاد از وعده‌های تحقق‌نیافته ترامپ مبنی بر «پایان سریع جنگ»، به شکست راهبردی واشنگتن در پیش‌بینی واکنش ایران مبنی



توقف جنگ یا سناریوی فریب

روابط پر فراز و نشست تهران– واشنگتن در مرحله‌ای از تقابل فزاینده، بی‌اعتمادی عمیق و فقدان چشم‌انداز روشن برای گفت‌وگو قرار دارد. دو کشور از زمان تسخیر لانه جاسوسی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تجربه‌ای طولانی از بحران‌های متوالی، مذاکرات ناتمام، تحریم‌ها، تهدیدهای متقابل و رویارویی‌های غیرمستقیم داشته‌اند. روندی که توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ برای مدتی آن را به مسیر گفت‌وگو نزدیک کرد، اما خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و بازگشت سیاست فشار حداکثری، بنیان اعتماد شکننده میان دو طرف را از بین برد.

در وضعیت کنونی، مواضع دولت ترامپ میان طرح امکان توافق و تهدید به حملات شدید نظامی در نوسان است. زیرا دیپلماسی را به ابزاری وابسته به فشار و محاسبات میدانی تبدیل کرده است. ایران نیز با تأکید بر اینکه درخواست مستقیمی برای بازگشت به مذاکرات نداشته، نسبت به اعتبار تهددات واشنگتن تردید دارد.

گسترش حملات به پایگاه‌های آمریکایی، حضور آشکارتر عربستان در عملیات علیه نیروهای مقاومت در عراق، تنش در دریای سرخ و احتمال کشیده‌شدن مصر به بحران نشان می‌دهد اختلاف تهران و واشنگتن دیگر صرفاً یک مناقشه دوجانبه نیست و آثار آن سراسر منطقه را دربر می‌گیرد. در چنین شرایطی هزینه‌های نظامی، فشار بر اقتصاد جهانی، نگرانی از امنیت انرژی و کاهش ذخایر تسلیحاتی آمریکا هم‌زمان با رقابت‌های انتخاباتی داخلی آمریکا، تصمیم‌گیری سیاسی را پیچیده‌تر کرده و امکان دستیابی به توافقی پایدار را دورتر ساخته است. در ادامه متن تلاش خواهیم کرد به ابزارهای رسیدن کاخ سفید به اهداف احتمالی در قبال پرونده ایران بپردازیم.

تداوم دیپلماسی اجبار

سختان و مواضع اخیر دونالد ترامپ درباره ایران نشان می‌دهد که او دیپلماسی را نه به‌عنوان یک مسیر ثابت، پایدار و مبتنی بر اعتماد متقابل، بلکه بیشتر به‌عنوان ابزاری مقطعی در کنار فشار نظامی دنبال می‌کند. هرچند چهل و هفتمین رئیس‌جمهور آمریکا همچنان از امکان دستیابی به توافق با تهران سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که مذاکرات هنوز می‌تواند به نتیجه برسد، اما هم‌زمان با ادبیاتی تند از «بیماران بسیار شدید» ایران حرف می‌زند و آشکارا می‌گوید که اعتماد خود را نسبت به مقام‌های ایرانی از دست داده است.

او همچنین از شیوه مذاکره نمایندگان تهران انتقاد می‌کند و مدعی است که ایرانی‌ها ساعت‌های طولانی بر موضوعاتی وقت می‌گذارند که از نظر او می‌توان آن‌ها را در زمانی کوتاه حل‌وفصل کرد؛ این مجموعه اظهارات نشان می‌دهد که ترامپ چندان پایبند به دیپلماسی به معنای متعارف آن نیست و مذاکره را تنها تا جایی می‌پذیرد که به نتیجه‌ای سریع، مطلوب و منطق با خواسته‌های آمریکا منجر شود. در واقع از خلال این مواضع می‌توان دریافت که برای ترامپ، دیپلماسی و اقدام نظامی دو ابزار مکمل هستند که بسته به شرایط، برای افزایش فشار، وادار کردن ایران به عقب‌نشینی و تحمیل چارچوب مطلوب واشنگتن به‌کار گرفته می‌شوند.

پروژه بازتنظیم نظم در خاورمیانه

در نگاه انتقادی به سیاست ترامپ در قبال ایران، گفت‌وگو و پیشنهاد توافق الزاماً نشانه تعادل واشنگتن به حل‌وفصل پایدار اختلاف‌ها نبود، بلکه می‌توانست بخشی از راهبرد فشار برای تحمیل موازنه‌ای تازه در منطقه باشد. در این الگو، مذاکره فرصت ایجاد می‌کند تا طرف مقابل زیر فشار اقتصادی، امنیتی و روانی قرار گیرد و هم‌زمان مطالبات جدیدی فراتر از پرونده هسته‌ای مطرح شود.

از همین رو پذیرش یک امتیاز مشخص، مانند کاهش یا توقف غنی‌سازی، تضمین‌کننده پایان مناقشه تلقی نمی‌شود، زیرا دامنه خواسته‌ها می‌تواند به توان دفاعی، نفوذ منطقه‌ای و جهت‌گیری سیاست خارجی ایران گسترش یابد. سابقه اجرای نامتوازن توافق هسته‌ای نیز این تردید را تقویت می‌کند که تعهدات طرف مقابل ممکن است متناسب با امتیازهای داده‌شده اجرا نشود. نتیجه چنین وضعی، بی‌فایده دانستن دیپلماسی نیست بلکه ضرورت بازتعریف آن است. مذاکره باید بر پایه توازن قدرت، تضمین‌های قابل راستی‌آزمایی، سازوکار روشن حل اختلاف و توان بازدارندگی شکل بگیرد. زیرا در غیر این صورت، گفت‌وگو ممکن است به ابزاری برای فرسایش تدریجی ظرفیت‌های کشور و آماده‌سازی بستر فشارهای بعدی تبدیل شود.

هدف اصلی دونالد ترامپ در قبال ایران دستیابی سریع به توافق است که بازگشایی تنگه هرمز، کاهش تنش‌های منطقه‌ای و بازگشت به گفت‌وگو درباره یک توافق جامع هسته‌ای را ممکن کند. او هم‌زمان می‌کوشد با حفظ تهدید معتبر بازگشت به «اقدام نظامی بسیار شدید»، ایران و میانجی‌ها را به پذیرش چارچوب موردنظر آمریکا وادارد. در این تصویر توقف حملات نه کنارگذاشتن گزینه نظامی، بلکه تلیق آن برای آزمودن مسیر مذاکره است و دیپلماسی نیز نه هدفی مستقل، بلکه سازوکاری برای رسیدن سریع به نتیجه‌ای عملی تلقی می‌شود. بنابراین از منظر مواضع بیان‌شده، ترمپ میان فشار نظامی و گفت‌وگو جابه‌جا می‌شود تا هزینه‌های اقتصادی و امنیتی تشدید درگیری را کنترل کند و در عین حال اهرم فشار آمریکا را برای تحقق اهدافش حفظ کند.

افت پایدار قیمت خودرو



گفت: تشدید تنش‌های منطقه‌ای تنها یک مسئله سیاسی نیست، بلکه آثار اقتصادی گسترده‌ای به همراه دارد. افزایش هزینه حمل‌ونقل، رشد نرخ بیمه، دشوارتر شدن نقل‌وانتقال پول و ایجاد اختلال در تأمین قطعات و مواد اولیه، از جمله پیامدهایی است که مستقیماً هزینه تولید خودرو را افزایش می‌دهد. چنین شرایطی انتظارات تورمی را نیز تقویت می‌کند؛ به همین دلیل حتی اگر بازار ارز در مقطعی با کاهش قیمت مواجه شود، فعالان بازار نسبت به تداوم این وضعیت اطمینان ندارند و همین موضوع مانع کاهش سریع قیمت خودرو می‌شود.

سه ریسک بزرگ تولید در ماه‌های آینده این کارشناس صنعت خودرو با اشاره به چالش‌های پیش روی بخش تولید، گفت: صنعت خودرو اکنون به طور هم‌زمان با سه ریسک اساسی مواجه است: نخست محدودیت‌های ارزی و دشواری تأمین مواد اولیه، دوم ناترازی انرژی و سوم کمبود نقدینگی در زنجیره تأمین.

وی با اشاره به اعلام سختگوی دولت مبنی بر از دست رفتن حدود ۳۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز کشور در پی حملات اخیر، هشدار داد که صنایع انرژی‌ر از جمله صنعت خودرو در نیمه دوم سال ممکن است با محدودیت‌های جدی در تأمین گاز روبه‌رو شوند؛ موضوعی که می‌تواند بر ظرفیت تولید خودروسازان و قطعه‌سازان اثر مستقیم بگذارد.مقیسه همچنین کمبود نقدینگی را یکی دیگر از مشکلات ساختاری این صنعت دانسته و افزود: قطعه‌ساز زمانی قادر به سرمایه‌گذاری و توسعه خطوط تولید است که از جریان مالی قابل پیش‌بینی برخوردار باشد، هرگونه اختلال در تأمین مالی قطعه‌سازان، در نهایت خود را در کاهش ظرفیت تولید خودروسازان نشان خواهد داد.

لجستیک؛ هزینه پنهانی که به قیمت خودرو منتقل می‌شود

مقیسه در ادامه با اشاره به مشکلات حمل‌ونقل و لجستیک، اظهار کرد: یکی از هزینه‌هایی که معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، هزینه جابه‌جایی مواد اولیه و قطعات است؛ در حالی که این عامل تأثیر مستقیمی بر قیمت تمام‌شده خودرو دارد.

وی با مقایسه ظرفیت روش‌های مختلف حمل کالا توضیح داد: یک کشتی کانتینربر بسته به کلاس خود امکان حمل حدود هزار تا بیش از ۲۴ هزار کانتینر را دارد، در حالی که یک قطار باری در مسیر چین تا مرز اینچونگ بین ۴۰ تا ۵۰ کانتینر جابه‌جا می‌کند و هر تریلی نیز تنها ظرفیت حمل یک کانتینر را دارد. زمانیکه محدودیت در حمل‌ونقل دریایی ایجاد می‌شود، جایگزینی ظرفیت یک کشتی متوسط به ده‌ها قطار یا هزاران کامیون نیاز دارد که از نظر عملیاتی چندان امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، افزایش تشریفات گمرکی، طولانی شدن زمان ترخیص کالا، رشد هزینه‌های بیمه و خواب سرمایه در انبارها نیز فشار مضاعفی بر هزینه‌های تولید وارد می‌کند.

تغییر بنیای تأمین ارز، هزینه تولید را افزایش داده است

این کارشناس صنعت خودرو در ادامه به تغییر شیوه تأمین ارز صنایع اشاره کرده و گفت: پیش از این، صنایع ارز مورد نیاز خود را با مبنای حدود ۱۴۵ هزار تومان تأمین می‌کردند، اما اکنون ناچارند ارز را با نرخ نزدیک به بازار آزاد تهیه کنند؛ تغییری که هزینه تأمین ارز را حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش داده است.

تنها افزایش نرخ ارز مسئله اصلی نیست، بلکه ثبات و پیش‌بینی‌پذیر بودن سیاست‌های اقتصادی اهمیت بیشتری دارد. اگر تولیدکننده از ثبات

در شرایطی که طی هفته‌های اخیر بازار ارز نوسانات محدودی را تجربه کرده، برخی انتظار دارند این روند به کاهش قیمت خودرو منجر شود؛ اما بررسی متغیرهای کلان اقتصادی و وضعیت صنعت خودرو نشان می‌دهد بازار بیش از آنکه به تغییرات مقطعی نرخ ارز واکنش نشان دهد، تحت تأثیر انتظارات تورمی، ریسک‌های ژئوپلیتیکی، هزینه‌های رو به افزایش تولید، محدودیت‌های تأمین مواد اولیه و سیاست‌های ارزی قرار دارد.

بازار خودرو در ماه‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی و سیاسی قرار گرفته است؛ متغیرهایی که هر یک به تنهایی می‌توانند بر روند قیمت‌ها اثر بگذارند، اما هم‌زمانی آن‌ها، فضای تصمیم‌گیری را برای تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و فعالان بازار دشوارتر کرده است؛ از سوی دیگر، تورم همچنان در سطوح بالایی قرار دارد، همچنین محدودیت‌های تأمین ارز، مشکلات حمل‌ونقل، ناترازی انرژی و افزایش ریسک‌های منطقه‌ای، هزینه تولید را افزایش داده‌اند. در چنین شرایطی این پرسش مطرح می‌شود که آیا کاهش مقطعی نرخ ارز می‌تواند بازار خودرو را وارد مسیر نزولی کند یا آنکه عوامل بنیادی، مانع تحقق چنین سناریویی خواهند شد؟

بازار خودرو بیش از نرخ ارز، به آینده اقتصاد واکنش نشان می‌دهد

حسین مقیسه، کارشناس صنعت خودرو، در گفت‌وگو با مهر ضمن تشریح مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر بازار، معتقد است تا زمانیکه عوامل بنیادین اقتصاد تغییر نکنند، انتظار کاهش محسوس و پایدار قیمت خودرو چندان واقع‌بینانه نیست.

وی در پاسخ به این پرسش که مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر بازار خودرو در ماه‌های آینده چیست، اظهار کرد: در تحلیل بازار خودرو نباید تنها به نرخ ارز یا یک متغیر خاص توجه کرد، بلکه مجموعه‌ای از شاخص‌های اقتصادی و سیاسی به صورت هم‌زمان مسیر این بازار را تعیین می‌کنند.

این کارشناس صنعت خودرو ضمن اشاره به آخرین آمارهای اقتصادی، افزود: تورم همچنان یکی از مهم‌ترین پیشران‌های بازار خودرو محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که بر اساس آخرین آمار مرکز آمار ایران، تورم نقطه‌به‌نقطه در خردادماه به حدود ۸۸٫۶ درصد و تورم سالانه نیز به بیش از ۶۵ درصد رسیده است. البته این ارقام تنها بخشی از واقعیت موجود را نشان می‌دهند و برای تحلیل دقیق بازار باید متغیرهای دیگری همچون سیاست‌های ارزی، محدودیت‌های تجاری، وضعیت انرژی، نقدینگی زنجیره تولید و تحولات سیاسی منطقه را نیز در نظر گرفت.

مقیسه معتقد است برخلاف تصور رایج، بازار خودرو دیگر مانند گذشته صرفاً از نرخ لحظه‌ای دلار تأثیر نمی‌پذیرد، بلکه رفتار فعالان اقتصادی بیش از هر چیز به میزان اطمینان آن‌ها نسبت به آینده اقتصاد وابسته است. حتی در دوره‌هایی که نرخ ارز کاهش پیدا می‌کند، اگر فعالان بازار نسبت به پایداری این کاهش اطمینان نداشته باشند، واکنش محسوسی در قیمت خودرو مشاهده نخواهد شد.

ریسک‌های منطقه‌ای چگونه بر قیمت خودرو اثر می‌گذارند؟

وی ضمن اشاره به تحولات ژئوپلیتیکی منطقه، افزایش سطح تنش‌ها را یکی از مهم‌ترین ریسک‌های اثرگذار بر صنعت خودرو دانسته و

شبکه‌های امین مالی که این روزها با نام تراستی معرفی می‌شوند

علاوه بر فروش نفت خام، وظیفه انتقال وجوه و پوشش لجستیکی صادرات انواع محصولات از فلزات تا سنگ های گرانبها را بر عهده دارند .

در فضای پیچیده اقتصاد بین‌الملل و تحت فشار حداکثری تحریم‌های یک‌جانبه، شریان‌های رسمی بانکی و تجاری کشورها با محدودیت‌های شدیدی مواجه می‌شوند.

در این شرایط، سیستم‌های سنتی انتقال پول و اسناد تجاری کارایی خود را از دست می‌دهند و نیاز به بازتعریف ساختارهای جایگزین احساس می‌شود.

در همین راستا، شبکه‌ها و اشخاص حقیقی یا حقوقی واسط که اصطلاحاً «تراستی» یا «امین مالی و تجاری» نامیده می‌شوند، به عنوان بازوهای اجرایی تجارت خارجی عمل می‌کنند.

این کارگزاران با تکیه بر زیرساخت‌های حقوقی، ثبت شرکت‌ها در کشورهای ثالث و استفاده از حساب‌های چندلایه، وظیفه خطیر تسهیل صادرات کالاهای تحریمی و انتقال وجوه ارزی به داخل را بر عهده دارند.

با این حال، فعالیت در این حوزه نیازمند ظرافت‌های خاص مدیریتی و نظارتی است تا آسیب‌های احتمالی ناشی از نبود شفافیت به حداقل برسد.

این گزارش به بررسی کارکردها، چالش‌ها و ضرورت‌های نظارتی بر فعالیت تراستی‌ها در ساختار اقتصادی کشور می‌پردازد.

شریان‌های مالی سایه در خدمت صادرات

بخش عمده‌ای از وظایف تراستی‌ها در سال‌های اخیر، فراتر از حوزه سنتی فروش نفت، به صادرات فرآورده‌های نفتی، محصولات پتروشیمی، فلزات و انواع محصولات معدنی تسری یافته است.

این کارگزاران با ایجاد زنجیره‌های واسطه‌ای، به عنوان خریدار یا فروشنده نهایی در اسناد تجاری ظاهر می‌شوند تا مسیرهای واقعی انتقال کالا را از دید نهادهای ناظر بین‌المللی پنهان کنند.

در واقع، تراستی‌ها ریسک ناشی از رهگیری محموله‌ها را با روش‌های متنوع لجستیکی و تغییر اسناد مالکیت کاهش می‌دهند.

در سوی دیگر این فرآیند، انتقال وجوه حاصل از فروش کالا قرار دارد.

از آنجا که بانک‌های عامل داخلی امکان ارتباط مستقیم با سیستم سوئیتف و بانک‌های بین‌المللی را ندارند، وجوه حاصل از صادرات ابتدا به حساب‌های چندلایه تراستی‌ها در کشورهای هدف یا بنادر واسط واریز می‌شود.

سپس این منابع از طریق صرافی‌های معتمد، حساب‌های تسویه کارگزاری یا فرآیندهای تهاتری برای خرید کالاهای اساسی و مواد اولیه مورد نیاز کشور تخصیص می‌یابد یا در نهایت تحت نظارت بانک مرکزی به شبکه بانکی کشور منتقل می‌شود.

ضرورت نظارت حاکمیتی و پیشگیری از ریسک‌های واسطه‌گری علیرغم نقش غیرقابل انکار تراستی‌ها در شکستن بن‌بست‌های



آخرین مهلت ثبت اظهارنامه مالیات

رئیس سازمان امور مالیاتی کشور با تمدید مهلت ارائه اظهارنامه مالیات بر درآمد اجاره املاک، اعلام کرد مودیان می‌توانند تا پایان شهریورماه اظهارنامه عملکرد سال ۱۴۰۴ را به این سازمان ارائه کنند .

در شرایطی که بازار اجاره مسکن همچنان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خانوارها به شمار می‌رود، سازمان امور مالیاتی کشور مهلت ارائه اظهارنامه مالیات بر درآمد املاک اجاری را تا پایان شهریورماه سال جاری تمدید کرد.

بر این اساس، سیدمحمدهادی سبحانین، رئیس سازمان امور مالیاتی کشور، با ابلاغ بخشنامه‌ای مهلت ارائه اظهارنامه مالیات بر درآمد املاک موضوع ماده ۵۷ قانون مالیات‌های مستقیم مربوط به عملکرد سال ۱۴۰۴ را تا پایان شهریورماه ۱۴۰۵ تمدید کرد.

مطابق این بخشنامه، تمامی مودیان مشمول مالیات بر درآمد املاک اجاری می‌توانند تا پایان شهریورماه نسبت به ثبت و ارسال اظهارنامه مالیاتی خود اقدام کنند؛ تصمیمی که با هدف تسهیل انجام تکالیف قانونی مالکان اتخاذ شده است.

این تصمیم در حالی اتخاذ می‌شود که بازار مسکن طی سال‌های اخیر علاوه بر افزایش قیمت خرید و فروش، با رشد قابل توجه نرخ اجاره‌بها نیز مواجه بوده و دولت تلاش کرده است از طریق اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌های مالیاتی، شفافیت در بازار املاک را افزایش دهد.

مالیات بر درآمد اجاره یکی از مهم‌ترین پایه‌های مالیاتی در بخش مسکن محسوب می‌شود که علاوه بر ایجاد درآمدهای پایدار برای دولت، می‌تواند به شناسایی دقیق‌تر درآمدهای حاصل از اجاره و ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از وضعیت بازار اجاره کمک کند. کارشناسان معتقدند هرچه میزان ثبت اطلاعات توسط مالکان افزایش یابد، امکان سیاست‌گذاری دقیق‌تر در حوزه مسکن نیز فراهم خواهد شد.

در سال‌های اخیر، همزمان با اجرای قوانین مرتبط با مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر نقل و انتقال املاک و همچنین توسعه سامانه‌های اطلاعاتی بخش مسکن، دولت تلاش کرده است با اتصال پایگاه‌های اطلاعاتی، شفافیت بیشتری در معاملات و قراردادهای اجاره ایجاد کند. از همین ره، ارائه به‌موقع اظهارنامه مالیاتی از سوی مالکان، یکی از حلقه‌های مهم تکمیل این زنجیره اطلاعاتی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، با توجه به سهم قابل توجه هزینه مسکن در سبد خانوار، بازار اجاره همچنان یکی از حساس‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور به شمار می‌رود. بر اساس آخرین آمار رسمی، بخش قابل توجهی از خانوارهای شهری مستأجر هستند و هزینه اجاره همچنان بیشترین سهم را در هزینه‌های ماهانه این خانوارها به خود اختصاص می‌دهد؛ موضوعی که ضرورت سیاست‌گذاری دقیق‌تر در حوزه مسکن و اجاره را دوچندان کرده است.

نکته حائز اهمیت اینجاست که بررسی جزئیات شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای کشور در تیرماه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد، نرخ تورم ماهانه کل به ۳۰٫۱ درصد رسیده و آمارها حاکی از آن است که خدمات مرتبط با نگهداری مسکن و همچنین آب، برق و سوخت از جمله بخش‌هایی هستند که رشد قابل توجهی را در شاخص‌های تورمی تجربه کرده‌اند؛ موضوعی که نشان می‌دهد فشار هزینه‌ای بر سبد معیشت خانوارها همچنان ادامه دارد.

در میان گروه‌های اصلی، گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها که با ضریب اهمیت ۳۶٫۱۱ درصد بیشترین وزن را در سبد شاخص قیمت مصرف‌کننده دارد، همچنان مهم‌ترین بخش اثرگذار بر هزینه‌های زندگی خانوارها محسوب می‌شود. شاخص این گروه در تیرماه به ۴۴۲٫۶ واحد رسید و تورم ماهانه ۲۰٫۸ درصد، تورم نقطه‌به‌نقطه ۲۶٫۸ درصد و تورم سالانه ۳۵٫۵ درصد برای آن به ثبت رسید.همچنین، شاخص مسکن به ۴۳۲٫۵ واحد رسید و تورم ماهانه ۲۰٫۴ درصدی، تورم نقطه‌به‌نقطه ۳۲٫۴ درصدی و تورم سالانه ۳۲٫۹ درصدی را تجربه کرد. اجاره‌بها نیز با تورم ماهانه ۲۰٫۳ درصدی، تورم نقطه‌به‌نقطه ۳۱٫۷ درصدی و تورم سالانه ۳۲٫۵ درصدی همچنان روند افزایشی خود را حفظ کرده است.

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که توسعه نظام مالیات‌ستانی در بازار املاک، در کنار تکمیل سامانه ملی املاک و اسکان، می‌تواند به کاهش فرار مالیاتی، افزایش شفافیت اطلاعات، بهبود نظارت بر بازار اجاره و تصمیم‌گیری دقیق‌تر در حوزه مسکن منجر شود. البته آنها تأکید دارند که اثربخشی این سیاست‌ها مستلزم تکمیل بانک‌های اطلاعاتی، همکاری مالکان در ارائه اطلاعات صحیح و اجرای یکپارچه قوانین مالیاتی است.

بر اساس بخشنامه ابلاغی رئیس سازمان امور مالیاتی، مودیان مشمول می‌توانند تا پایان شهریورماه سال جاری اظهارنامه مالیات بر درآمد املاک اجاری مربوط به عملکرد سال ۱۴۰۴ را به سازمان امور مالیاتی ارائه کنند؛ فرصتی که علاوه بر تسهیل انجام تکالیف قانونی مالکان، امکان تکمیل اطلاعات مالیاتی بخش مسکن و ارتقای شفافیت در یکی از مهم‌ترین بازارهای اقتصادی کشور را نیز فراهم می‌کند.



حمایت از فلسطین در کنسرت سنگاپور

■ یک گروه موسیقی انگلیسی که هفته پیش با برگزاری کنسرتی در سنگاپور، پرچم فلسطین را بالا برد و شعار «فلسطین آزاد» سر داد، از اجرای موسیقی در این کشور منع شد.

به نقل از گزارش‌های بی‌بی‌سی و کانال نیوز آسیا، گروه انگلیسی Massive Attack پس از ابراز حمایت از فلسطین در طول اجرای اخیرش در سنگاپور، توسط مقام‌های این کشور تحت بررسی قرار گرفت و از ورود مجدد به سنگاپور منع شد.

این گروه روز چهارشنبه در سنگاپور کنسرتی برگزار کرد که عکس‌های منتشر شده از آن نشان می‌داد این گروه پرچم فلسطین را در دست دارد و فریاد «فلسطین آزاد» را نیز سر می‌دهند.

پلیس و سازمان توسعه رسانه‌های اینفو کام جمعه ۳۱ جولای اعلام کردند که به ۲ عضو این گروه موسیقی بریتانیایی پس از برافراشتن پرچم فلسطین در طول کنسرت، هشدارهای جدی داده شده و از ورود مجدد به سنگاپور منع شده‌اند.

بر مبنای قوانین سنگاپور «نمایش عمومی نمادهای ملی خارجی»، از جمله پرچم، بدون اجازه قبلی ممنوع و مجازات آن حدود ۴۰۰ دلار یا ۶ ماه زندان است.

گروه Massive Attack که برای فعالیت‌های سیاسی خود شناخته می‌شود در حمایت از فلسطین بسیار صریح است و بارها سر صحنه اجرا، به دفاع از مردم فلسطین برخاسته است. رابرت دل ناجا خواننده اصلی گروه، در ماه آوریل در لندن به دلیل شرکت در اعتراضی مرتبط با «قدام فلسطین» که در بریتانیا ممنوع است، دستگیر شد.

مقامات همچنین اعلام کردند که با توجه به ممنوعیت ورود، این گروه در آینده در سنگاپور اجازه اجرا نخواهد داشت.

این گروه بریتانیایی یکی از گروه‌های متعدد موسیقی است که در کنار افرادی مانند هیللی ویلیامز، لوسی داکس، رایناساواایاما به جنبش «بدون موسیقی برای نسل‌کشی» پیوسته است.

حملات اسرائیل به غزه یکی از جنجالی‌ترین موضوع‌های دنیای فعالان سرگرمی است که از هنر خود برای مقابله با آن استفاده می‌کنند.

از سوی دیگر بوی جورج هفته گذشته یک آهنگ در حمایت از اسرائیل منتشر کرد که توسط هوش مصنوعی تولید شده و نسل‌کشی خواندن حملات اسرائیل را انکار می‌کرد. انتشار این آهنگ جنجال زیادی به پا کرد و با اعتراض وسیعی روبه‌رو شد و در بجهوه این جنجال، خواننده آهنگ «کارما آفتاب‌پرست» در اعتراض به آن از اجرای جدید نمایش «عیسی مسیح سوپرستار» در لندن انصراف داد.

حسینیه اربعینی رادیو برپا شد



■ همزمان با فرارسیدن ایام اربعین حسینی، شبکه‌های رادیویی با تدارک مجموعه‌ای از ویژه‌برنامه‌های مختلف، روایتگر حال و هوای پیاده‌روی بزرگ اربعین، برای مخاطبان خواهند بود.

به نقل از روابط عمومی معاونت صدا، شبکه‌های رادیویی ویژه اربعین برنامه‌هایی همچون «حسینیه ایران»، «به عشق حسین»، «روایت برخاستن»، «تهران تا حرم»، «به وقت اربعین»، «پیام اربعین»، «خورشید اربعین»، «در مسیر بهشت»، «همقدم تا نینوا»، «کوله بار»، «در مسیر خورشید»، «حیات طیبه»، «آوای اربعین» و ... را پخش می‌کنند.

شبکه رادیویی ایران به مناسبت اربعین حسینی برنامه «حسینیه ایران» را با محور تبیین معارف زیارت اربعین و گزارش از مسیر زائران، ۱۲ و ۱۳ مرداد، ساعت ۲۲ با حضور محمد نصرآبادی و حجت‌الاسلام وحیدی روی آنتن می‌برد.

رادیو جوان برنامه‌ای با نام «به عشق حسین» ۱۳ مرداد از ساعت ۹ صبح را در قالب بخش‌هایی همچون ارتباط با کربلا و مشهد، گزارش از حال‌وهوای جاماندگان در سطح شهر و نقد و بررسی کتاب «اگر» با حضور نویسنده اسماعیل بنده خدا روی آنتن می‌برد.

برنامه «روایت برخاستن» از رادیو فرهنگ با بهره بردن از نظرات شاعران، نویسندگان و هنرمندان و ارتباط زنده با گزارشگران و زائران به موضوع اربعین می‌پردازد و آن را برای مخاطبان واکاوی می‌کند.

شبکه رادیویی تهران برنامه «جاماندگان اربعین حسینی» تهران تا حرم» را تدارک دیده که ۱۳ مرداد از ساعت ۷ صبح همراه مردم خواهد بود و تلاش می‌کند با پوششی گسترده و متفاوت، حال و هوای اربعین حسینی را به مخاطبان منتقل کند.

رادیو گفت‌وگو برنامه «به وقت اربعین» را با محوریت پوشش زنده مسیرهای پیاده‌روی اربعین در ایران و عراق، تازه‌ترین اخبار، گزارش‌های میدانی، گفتگو با کارشناسان، مباحثان و زائران و روایت حال و هوای این اجتماع عظیم معنوی را به‌مدت ۱۶ ساعت روانه آنتن خواهد کرد.

برنامه «خورشید اربعین» در روز اربعین، همراه شنوندگان رادیو ورزش است.

این برنامه با محوریت تقویت روحیه ورزشکاری در مسیر بندگی، در

بطری آبی که سوژه فیلم شد



مسئله فقر را محور اصلی تحلیل قرار دهیم، فیلم «کاپیتان شماره ۱۰» رویکردی کاملاً آسیب‌شناسانه دارد و به‌وضوح نشان می‌دهد که جامعه باید نسبت به سرنوشت این کودکان حساس باشد و برای آنها راهکارهای عملی و حمایتی ارائه دهد، چراکه آینده چنین کودکانی نه‌تنها آنها را از دستیابی به آرزوها و رویاهای شیرینشان باز می‌دارد، بلکه در بلندمدت، جامعه را نیز به‌سوی انحطاط و بحران‌های اجتماعی عمیق سوق خواهد داد. منصوروی در پایان صحبت‌های خود با ابراز آمیندواری گفت: از تمامی مسئولان ذی‌ربط، به‌ویژه سازمان‌ها و نهادهایی که در حوزه تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کنند، تقاضا دارم که ما را در مسیر پخش گسترده این فیلم یاری کنند.

فیلم کوتاه «کاپیتان شماره ۱۰» با نگاهی اجتماعی، داستان گروهی از کودکان کار را روایت می‌کند که در غیاب و دور از چشم صاحب‌کار خود، با برپایی یک بازی فوتبال ساده و صمیمی، به‌دنبال لحظاتی از رو‌پایردازی، دوستی‌های ناب و شادی‌های از دست‌رفته دوران کودکی می‌گردند و در این مسیر، مخاطب را با جهان پیچیده احساسات و



تداوم میدان‌داری در مشایه

■ گرمای عراق نفس را بند می‌آورد، خورشید بی‌وقفه بر جاده نجف تا کربلا می‌تابد و زائران، با هر قدم، فاصله خود را تا حرم سیدالشهدا(ع) کمتر می‌کنند، در این میان، کنار موکب شهید حاج قاسم سلیمانی، صحنه‌ای شکل گرفته که بسیاری را برای لحظاتی از مسیر جدا می‌کند. پرچمی بزرگ، سرخ‌رنگ، بر فراز سکویی ساده در اهتزاز است. کنار آن، نوشته‌ای که رهگذران را دعوت می‌کند اگر مایل‌اند، قلابی نگه‌دارند این پرچم باشند.

هیچ ثبت‌نامی در کار نیست، هیچ نوبت از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد، تنها کافی است نفر قبلی پرچم را به نفر بعدی بسپارد تا این زنجیره ادامه پیدا کند. این تصویر، برای بسیاری از زائران ایرانی یادآور روزهایی است که پس از جنگ اخیر، در شهرهای مختلف ایران، مردم به صورت داوطلبانه ساعت‌ها پرچم ایران را در میدان‌ها و معابر در دست گرفتند تا به تعبیر خودشان، اجازه ندهند پرچم بر زمین بماند. اکنون همان ایده، در مسیر اربعین، با نمادی دیگر بازآفرینی شده است.

قرار بی‌صدا میان هزاران زائر

در اطراف سکو، کسی دعوت رسمی نمی‌کند. رهگذران خودشان می‌ایستند. گاهی جوانی که کوله‌اش را زمین گذاشته است. گاهی پیرمردی که عصا را به همراهش می‌دهد تا چند دقیقه پرچم را نگه دارد. گاهی مادری که کودک خود را برای گرفتن عکس کنار پرچم می‌آورد و گاهی زائری که حتی زبان فارسی نمی‌داند اما با اشاره دیگران، معنای این ایستادن را می‌فهمد و چند دقیقه‌ای جای نفر قبلی را می‌گیرد.

در این میان، زمان معنا ندارد. ممکن است کسی تنها چند دقیقه بایستد و نفر دیگری یک ساعت زیر آفتاب بماند. آنچه اهمیت دارد، تداوم این زنجیره است. از نخستین روزهای آغاز پیادمری اربعین تاکنون، به گفته برگزارکنندگان موکب، این پرچم لحظه‌ای بی‌نگه‌دارنده نمانده است.

وقتی گرمای عراق هم مانع نمی‌شود

تابستان عراق، آزمون سختی برای هر زائر است. دمای هوا در ساعات میانی روز گاه به حدود ۵۰ درجه سانتی‌گراد یا بیشتر می‌رسد و دمای سطح زمین و سطوح فلزی می‌تواند بسیار بالاتر احساس شود. با این حال، کنار این سکو، گرما مانع توقف زائران نشده است. بسیاری تنها چند دقیقه می‌ایستند اما همان چند دقیقه، زیر آفتاب مستقیم، آسان نیست.

عراق از پیشانی‌شان می‌چکد، بطری آب را کنار پا می‌گذارند و نگاهشان را به امتداد جاده می‌دوزند؛ جاده‌ای که هر لحظه زائران تازه‌ای از آن عبور می‌کنند، نفر بعدی از راه می‌رسد، پرچم دست به دست می‌شود. و زنجیره ادامه پیدا می‌کند.

در ازدحام بی‌انتهای جاده نجف به کربلا، جایی که قدم‌ها به ذکر می‌افتند و جان‌ها به تپش، ستون ۵۵۳ تنها یک عدد در نقشه راه نیست؛ یک ایستگاه استقامت است. موکب «شهید حاج قاسم سلیمانی»، امسال در میانه این دریای خروشان، حرکتی را آغاز کرده که نه تنها زائران، بلکه فرشتگان آسمان عراق را هم به تماشا واداشته است.

وقتی زائران نگهبان پرچم خونخواهی می‌شوند/ تداوم میدان‌داری در مشایه

تداوم یک ميثاق

پس از روزهای پراشتهای «جنگ رمضان»، زمانی که زمزمه‌های تردید در گوش‌ها می‌پیچید، مردم ایران در شهرهای مختلف از مشهد الرضا تا صفهان نیمه‌جهان و تهران پریاهو تصمیم گرفتند بر سر عهدهی بایستند. سکوهایی بنا شد؛ نه برای سخنرانی‌های رسمی، بلکه برای نگه داشتن یک «نشان». پرچم ایران، بر شانه‌های مردم بالا رفت. ۱۵۰ شب، باد وزید، باران بارید، سرمای گزند و گرمای سوزان آمد، اما آن پرچم حتی برای ثانیه‌ای بر زمین نیفتاد.

این میراث «دست‌های گره‌خورده به میله پرچم»، حالا در اربعین ۱۴۰۵ به ستون ۵۵۳ رسیده است. گویی آن «سکوهای شهری» حالا در قامت یک موکب، به «سنگر خون‌خواهی» تبدیل شده‌اند.

وقتی خون می‌جوشد

امسال، پرچم برافراشته در ستون ۵۵۳ متفاوت است. این بار، رنگ آن نه فقط نشان ملیت، که رنگ «خون» است. پرچم خون‌خواهی رهبر شهید با آن ابعاد بزرگ و سرخی خیره‌کننده‌اش، نمادی است که سکوت جاده را می‌شکند.

این پرچم، «سند انتظار» است. هر زنی که با چادر خاکی، هر مردی که با پاهای ناول‌زده و هر کودکی که پرچم را در دستان کوچک‌اش می‌گیرد، انگار دارد پیمانی تازه با آرمان شهید می‌بندد. اینجا دیگر «من» وجود ندارد؛ همه «ما» هستیم. با یک هدف: «خون‌خواهی».

عراق است و گرمای بی‌رحم آفتاب ظهر؛ دمای که گاه به ۷۰ درجه می‌رسد و آسفالت جاده را به گدازه تبدیل می‌کند. اما در موکب شهید حاج قاسم، چیزی عجیب در جریان است. هیچ‌کس خسته نمی‌شود.

روایت زائران شنیدنی است: «آمده بودم کمی استراحت کنم، اما وقتی چشمم به پرچم افتاد، انگار کسی درونم تکان خورد. یک ساعت ایستادم، پاهایم می‌سوزت، اما فکر انتقام، داغ‌تر از آفتاب بود.» این متن، گزارش یک لحظه نیست؛ گزارش پیوستگی حضور است. از اولین روز شروع پیادمری تاکنون، پرچم لحظه‌ای پایین نیامده است. گویی یک زنجیره نامرئی، دست زائر عراقی را به زائر ایرانی و زائر افغانستانی گره می‌زند.

ملیته‌ها در هم می‌شکنند، اینجا فقط «خون‌خواه» است

تلاطم ارزش‌ها و امنیت فردی



از نگاه مطالعات جهانی: چالش امنیت روانی در غرب

این موضوع تنها محدود به فرهنگ‌های شرقی نیست؛ مطالعات و گزارش‌های روانشناختی در جوامع غربی (مانند اروپا و آمریکا) نیز ابعاد متفاوتی از این چالش را بازگو میکنند.

در آن جوامع که پوشش به سمت نمایش حداکثری بدن سوق یافته است، تحقیقات نشان میدهد که دختران در معرض پدیده‌ای به نام فشار زیبایی‌شناسی مداوم قرار دارند.

در این مطالعات، دخترانی که در محیط‌هایی با استانداردهای پوشش بسیار باز و متمرکز بر نمایش بدن زندگی میکنند، نرخ بالاتری از خودشیفتگی آسیب‌زا (نیاز شدید به تأیید از طریق ظاهر) و اختلالات تصویر بدنی را نشان میدهند.

در واقع، وقتی مرز پوششی از بین میرود، حریم شخصی جای خود را به صحنه نمایش میدهد و این امر، امنیت روانی فرد را در برابر نگاه‌های تحقیرآمیز یا نگاه‌های شی‌انگارانه، بشدت کاهش میدهد. این یعنی حتی در فرهنگ‌هایی که پوشش را آزادی مطلق میدانند، فقدان یک حصار روانی و پوششی، منجر به نوعی بی‌حفاظی روانی شده است.

آسیب جدی دیگر؛ فرزند سلاحی برای تلاقی نیست

با این حال، در این مسیر باید به یک آسیب بسیار جدی و ناپوشیده نیز توجه کرد.

متأسفانه، گاهی مشاهده میکنیم که برخی از خانواده‌ها، فرزندان خود را به سنگر جنگ‌های دیگران تبدیل میکنند. در این میان، فرزند نه بر

در عصر شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ نمایش، بازخوانی نقش حجاب از منظر سلامت روان، امنیت فردی و حفظ حریم شخصی، بیش از گذشته اهمیت یافته است.

امروزه که فضای مجازی و فرهنگ‌های گذرا، با سرعتی بی‌سابقه در حال بازتعریف ارزش‌ها و شکل دادن به ذهنیتهای نسل جوان هستند، نقش خانواده‌ها باید از یک ناظر صرف به یک همراه آگاهانه تغییر یابد. در این میان، بحث پوشش و حجاب، نباید تنها از دریچه تکالیف یا محدودیتهای بیرونی نگریسته شود؛ بلکه باید از منظر سلامت روان، استقلال فردی و امنیت اجتماعی به آن نگاه کرد.

بحران نمایش در عصر دیجیتال

بحران نمایش در عصر دیجیتال ما در دورانی زندگی میکنیم که مرز میان بودن و نمایش دادن به‌شدت کمرنگ شده است. متأسفانه فرهنگ‌های نوین رسانهای، تمرکز اصلی را بر جلب توجه، تبرج و نمایش خود گذاشته‌اند.

این تغییر الگوی رفتاری، میتواند منجر به اضطراب‌های اجتماعی و از دست رفتن آرامش درونی شود؛ چرا که فرد مدام در تلاش است تا خود را برای تأیید نگاه‌های بیرونی بازسازی کند. در این میان، دختران ما بیش از هر گروه دیگری در معرض این فشار روانی برای نمایش به جای بودن واقعیت خود قرار دارند.

حجاب به مثابه حصار آرامش

اگر حجاب را نه یک محدودیت، بلکه ابزاری برای حفظ امنیت خاطر دختران و خانواده‌ها و حریم شخصی بدانیم، معنای آن دگرگون میشود. از منظر روانشناسی اجتماعی، داشتن یک مرز مشخص مانند حجاب به دختر قدرت میدهد تا نوعی استقلال روانی و اعتمادبه‌نفس در مدیریت نگاه‌ها داشته باشد.

حجاب در واقع یک پیام اجتماعی است: « که من حریم خود را محترم می‌شمарم». این پیام، تنها یک پوشش نیست، بلکه نوعی سپر حفاظتی است که از برخورد با نگاه‌های ناخواسته یا رفتارهای نامناسب اجتماعی که میتواند به عزت‌نفس و سلامت روان آسیب بزند جلوگیری میکند.

ما با این رویکرد، در واقع برای فرزندانمان یک حصار آرامش ایجاد میکنیم؛ حصاری که به او اجازه میدهد در جامعه حضور داشته باشد، بدون آنکه نگران قضاوت‌های آسیب‌زا یا تداخل‌های ناخواسته باشد.

واقعیت تلخ این است وقتی به تجربه‌های زیسته در جامعه خود مینگریم، شاهد الگوهای تکرار شونده‌ای هستیم که نشان از آسیب‌های ناشی از بی‌تفاوتی به مرزهای پوششی دارند. در برخی خانواده‌هایی که با نگاهی صرفاً آزاداندیشانه یا بی‌تفاوت به اهمیت پوشش برخورد کرده‌اند، دختران خود را در میان تلاطم نگاه‌های ناخواسته و قضاوت‌های جنسیتی تنها یافته‌اند.

تجربه نشان میدهد بسیاری از این دختران، پس از گذشت مدتی، دچار نوعی خستگی روانی از مدیریت نگاه‌ها میشوند. آنها که در کودکی آموخته‌اند پوشششان صرفاً یک انتخاب شخصی بدون پیام خاصی است، در بلوغ با این واقعیت روبرو میشوند که جامعه آنها را از طریق پوشششان قضاوت، شی‌انگاری یا نادیده گرفتن شخصیت میکند. این شکاف میان تصور فرد از خود و برداشت جامعه از او، ریشه بسیاری از اضطراب‌های اجتماعی و کاهش عزت‌نفس در دختران جامعه ماست.

جامعه



کافه‌ها در پیچ تغییرات اجتماعی

این روزها وقتی از کنار برخی کافه‌ها می‌گذریم، بیش از آنکه عطر قهوه به مشام برسد و برای لحظاتی حال خوشی به انسان دست دهد،بوی تفنن یک گسست فرهنگی و ولنگاری اجتماعی فضا را پر کرده است.کافه‌هایی که قرار بود میعادگاه گفت‌وگو،تعاملات انسانی، آرامش و رفع خستگی باشند،در بسیاری از مناطق به جزایر خودمختار ناهنجاری بدل شده‌اند؛ مکان‌هایی که در آن‌ها،حرمت‌های اجتماعی نه در کلام، که در رفتارهای عیان به بازی گرفته می‌شود.

نخستین هشداردر این مساله،سزاوار خانواده‌هاست،خانواده‌هایی که فرزندان‌شان را به پهنای استقلال و تفریح در این فضا رها کرده‌اند! آیا شده زمانی از خود پرسیده باشند که فرزندان‌شان در ساعاتی که در این محیط‌های بسته و به‌دور از نظارت عمومی سپری می‌کنند، در حال کدام بازی هویی هستند؟ این خانواده‌ها نباید فراموش کنند که آزادی بدون مسئولیت،معادل با سقوط است. و نظارت هرگز به معنای سلب آزادی نبوده و نیست؛بلکه پاسداری از نهال وجود فرزند در برابر طوفان‌های آلودگی است؛ آلودگی‌هایی که در این کافه‌ها، در پوشش کلاس اجتماعی به خورد نسل نوجوان و جوان داده می‌شود.

کم‌کاری شماخانواده‌ها در شناخت محیط تردد فرزندان‌،راه را برای نفوذ فرهنگ‌های منحط هموار کرده است؛اگر با همین فرمان پیش بروید، به‌زودی دود این آتش را در چشم خود خواهید دید. و اما شما ای نهادهای عریض و طویل فرهنگی و بهداشتی‌!دقیقا کجا ایستاده‌اید؟ کافه صرفا یک واحد صنفی نیست،بلکه یک کانون جریان‌ساز فرهنگی شده است. وقتی در این محیط‌ها،بستر برای استعمال مواد دخانی جدید،پوشش قهوه و نوشیدنی های مختلف و رفتارهای خلاف اخلاق عمومی و ترویج سبک‌زندگی‌های آسیب‌زا فراهم می‌شود، یعنی ساختار نظارتی شما دچار فلج کامل مغزی و حرکتی شده است.هان ای نهادهای محترم فرهنگی!شما باید به‌جای همایش‌های پرهزینه و بی‌حاصل، سری به کف خیابان زده و به پهنه نوشیدن یک قهوه سالم که هیچ داخلی نداشته باشد و فقط درجهت رفع خستگی به همین کافه‌ها بروید تا بدانید فرهنگ در دفاتر شما ساخته نمی‌شود؛ فرهنگ در همین کافه‌ها در حال مسخ شدن است.

و خطاب به نهادهای بهداشتی؛ آیا سلامت عمومی جامعه تنها به آمار تخته‌های بیمارستانی یا نامگذاری هفته‌ها و روزهای خاص محدود می‌شود؟ اگر امروز سلامت روان و اخلاق یک نسل در این کافه‌ها به حراج گذاشته شود،فردا هزینه‌ی سنگین آن را در پرورندهای بزهکاری،اعتیاد، فروپاشی پیوندهای خانوادگی و اجتماعی پرداخت خواهید کرد.چرا از اهرم‌های قانونی سخت‌گیرانه برای پایش سلامت محیط‌های عمومی استفاده نمی‌کنید؟ این هشدار،نه یک دعوت به محدودیت کورکورانه، بلکه فراخوانی برای بیدارباش است.کافه باید کافه بماند؛ نه پایگاهی برای ترویج سبک‌زندگی ضد خانواده و نهادهای مسئول باید از کاررفع تکلیفی دست بردارند. اگر امروز سکوت کنیم، فردا باید در دادگاه‌های تاریخ، پاسخگوی فروپاشی نهاد خانواده باشیم. مراقب باشید که با یک تغییر تدریجی فرهنگی روبرو هستیم؛ فرآیندی آرام و گاه نامحسوس که در آن ارزش‌ها، باورها و الگوهای زندگی یک جامعه، نه با یک اتفاق ناگهانی، بلکه با تغییرات ذره‌ذره دگرگون می‌شوند.

و خطاب به متولیان اصلی کشور؛ این پدیده نباید به عنوان یک امر عادی یا فقط یک مسئله صنفی نگریسته شود. ما با یک مسئله نوظهور و مشکوک روبرو هستیم که پتانسیل تخریب زیرساخت‌های فرهنگی خانواده و جامعه را دارد. نهادهای امنیتی و فرهنگی و بهداشتی : باید این کافه‌ها را به دقت رصد کنند. آیا این فضاها صرفا برای تفریح و رفع خستگی هستند یا بستری شده اند برای نفوذ ایده‌های بیگانه و ترویج رفتارهای خلاف نظم عمومی؟! باید دانست که سلامت جامعه از سلامت محیط‌های عمومی آغاز می‌شود. رشد رفتارهای مشکوک در این فضاها، زنگ خطری برای سلامت روان و سلامت جسمی نسل آینده است.

این رشد قارچ‌گونه کافه‌ها حقیقتا مشکوک است و نباید یک مساله عادی تلقی شود و بدون نظارت و دقت بماند. باید با نظارت دقیق، مسیر این تکثیر آلوده را متوقف کرد و کافه را به کارکرد سالم خود بازگرداند(جوانان و کافه داران عزیز باید بدانند که این نقد نقد مفهوم کافه نیست بلکه نقد انحراف از کارکرد اصلی کافه است)ایا اینکه شاهد فروپاشی تدریجی اخلاق و فرهنگ در محیط‌های عمومی خواهیم بود. وقت رصد فعال و مداخله ی هوشمندانه اکنون فرا رسیده است.

در نهایت خطاب به نسل آینده که تکیه‌گاه آینده این جامعه هستند ؛ چشمان خود را باز کنید! در بسیاری از این محیط‌های نوظهور، آنچه با نام آزادی، سبک‌زندگی مدرن یا تجربه متفاوت به شما فروخته می‌شود، چیزی جز یک تله‌ی فرهنگی و تئوری برای بیچاره کردن تان نیست. در میان نوشیدنی‌ها، موسیقی‌ها و گفتگوهای این کافه‌ها، صدهای اصلی به گوش نمی‌رسد؛ بلکه پالس‌های مهم، الگوهای رفتاری آسیب‌زا و مفاهیمی که هدفشان تخریب شخصیت و هویت شماست، درجریان‌اند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاپی گرافیکست و صفحه آرآ | آراد عبداللهی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی ناظر هنری | محمد رضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۶۵۵۲۵۸ _ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۳۴ آگهی ها | ۰۲۱۸۶۵۵۲۵۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | مصمیم _ ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



پیوند پوشش و سلامت روان

امروزه که فضای مجازی و فرهنگهای گذرا با سرعتی بی‌سابقه در حال بازتعریف ارزشها و شکل دادن به ذهنیتهای نسل جوان هستند، نقش خانواده ها باید از یک ناظر صرف به یک همراه آگاهانه تغییر یابد .

۷

اعلام ویژه بر نامه ها

به نقل از روابط عمومی معاونت صدا، شبکه‌های رادیویی ویژه اربعین برنامه‌هایی همچون «حسینیه ایران»، «به عشق حسین»، «روایت برخاستن»، «تهران تا حرم»، «به وقت اربعین»، «پیام اربعین»، «خورشید اربعین»، «در مسیر بهشت»، «همقدم تا نینوا»، «کوله بار»....و

۶

سه اتفاق مهم در انتظار استقلال

باشگاه استقلال در آستانه یکی از مهم‌ترین هفته‌های مامهای اخیر قرار گرفته است؛ هفته‌ای که می‌تواند تکلیف چند پرونده مهم و تأثیرگذار را مشخص کند و مسیر آبی‌پوشان را در ادامه فصل تغییر دهد. از احتمال اعلام رأی نهایی دادگاه حکمیت ورزش (CAS) درباره پرونده پنجره نقل‌وانتقالاتی گرفته تا انتخاب مدیرعامل جدید و تعیین تکلیف وضعیت برخی بازیکنان، همگی از اتفاقاتی هستند که ممکن است در روزهای پیش رو رخ دهند.

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که استقلال و هوادارانش با حساسیت آن را دنبال می‌کنند، پرونده مربوط به پنجره نقل‌وانتقالاتی این باشگاه است. آبی‌ها که به دلیل یک پرونده حقوقی با محدودیت در ثبت قرارداد بازیکنان مواجه شده‌اند، مدت‌هاست منتظر اعلام رأی نهایی دادگاه CAS هستند در صورت صدور رأی به سود استقلال، پنجره نقل‌وانتقالاتی این باشگاه باز خواهد شد و کادر فنی می‌تواند از تمامی بازیکنان جذب‌شده استفاده کند، اما در صورت تأیید رأی قبلی، مدیران باشگاه باید راهکار دیگری برای حل این مشکل پیدا کنند؛ موضوعی که می‌تواند برنامه‌های فنی استقلال را تحت تأثیر قرار دهد.

در کنار این پرونده، بحث انتخاب مدیرعامل جدید استقلال نیز به روزهای پایانی خود نزدیک شده است. پس از حدود یک سال اداره باشگاه با سرپرست، هشت‌مدیره استقلال در هفته‌های گذشته گزینه نهایی خود را برای تصدی مدیرعاملی انتخاب کرده و اکنون این گزینه باید به تأیید کمیته مربوطه در هلدینگ مالک باشگاه برسد. در صورت طی شدن مراحل نهایی، استقلال پس از مدت‌ها مدیرعامل جدید خود را خواهد شناخت؛ اتفاقی که می‌تواند به پایان یکی از طولانی‌ترین دوره‌های بلاکلیفی مدیریتی این باشگاه منجر شود.

از سوی دیگر، وضعیت تعدادی از بازیکنان استقلال نیز احتمالاً در همین هفته مشخص خواهد شد. پرونده رامین رضاییان یکی از موضوعاتی است که مدیران باشگاه در حال پیگیری آن هستند و انتظار می‌رود درباره ادامه همکاری یا وضعیت این بازیکن تصمیم‌گیری نهایی انجام شود.

همچنین داکتر نازون، مهاجم اهل هائیتی استقلال، نیز همچنان در وضعیت نامشخصی قرار دارد. نازون که پس از جنگ تحمیلی اخیر از بازگشت به ایران خودداری کرد، ابتدا با انتشار پیامی از هواداران استقلال خداحافظی کرد، اما در ادامه با انتقاد از مدیران باشگاه مدعی شد که هیچ اقدامی برای فراهم کردن شرایط بازگشت او انجام نشده است. حال باید دید مدیران استقلال چه تصمیمی درباره ادامه همکاری با این بازیکن خواهند گرفت و آیا پرونده او نیز در روزهای آینده بسته خواهد شد یا خیر.

در کنار این موارد، تعیین تکلیف برخی موضوعات نقل‌وانتقالاتی دیگر نیز در دستور کار مدیران باشگاه قرار دارد و انتظار می‌رود همزمان با مشخص شدن وضعیت پنجره نقل‌وانتقالاتی، روند جذب یا ثبت قرارداد بازیکنان نیز شتاب بیشتری بگیرد.



خبری از آزادی نیست

● به نقل از پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان، حبیب ستوده‌نژاد درباره آخرین وضعیت ورزشگاه‌های استان تهران در آستانه آغاز فصل جدید لیگ برتر فوتبال اظهار داشت: فرایند برگزاری مناقصه برای تعویض چمن ورزشگاه تختی در حال انجام بوده و این پروژه از طریق سامانه مربوطه در حال پیگیری است.وی افزود: با توجه به برنامه‌ریزی انجام‌شده برای اجرای پروژه و ضرورت کاشت پاییزه چمن، ورزشگاه تختی در فصل پیش رو نمی‌تواند میزبان مسابقات لیگ برتر باشد. عملیات کاشت چمن باید در بازه زمانی شهریور یا مهر ماه انجام شود و پس از آن نیز ورزشگاه تا آماده شدن کامل زمین از دسترس خارج خواهد بود.مدیرکل ورزش و جوانان استان تهران ادامه داد: بر همین اساس، پیش‌بینی ما این است که ورزشگاه تختی تا خرداد سال آینده امکان بهره‌برداری برای مسابقات را نداشته باشد و در این مدت فرایند تعویض و آماده‌سازی چمن دنبال خواهد شد.ستوده‌نژاد در ادامه با اشاره به ظرفیت سایر ورزشگاه‌های استان تهران برای میزبانی از رقابت‌های لیگ برتر گفت: در حال حاضر سه ورزشگاه در تهران و شهرستان‌های اطراف وجود دارند که امکان میزبانی از مسابقات لیگ برتر را دارند. ورزشگاه‌های شهدای شهر قدس، اسلامشهر و ورزشگاه دستگردی از جمله ورزشگاه‌هایی هستند که می‌توانند برای برگزاری مسابقات مورد استفاده قرار گیرند.

باشگاه‌های زیان‌ده در انتظار محرومیت باشند

ملاکی برای میزان هزینه‌کرد باشگاه‌ها بود اما فیرپلی مالی کل فرآیند مالی باشگاه را بررسی می‌کند و همه ارکان هزینه‌ای را زیر نظر خواهد داشت.

وی با اشاره به ضمانت‌های اجرایی این قانون افزود: در اجرای سقف بودجه ضمانت اجرایی کافی وجود نداشت اما در فیرپلی مالی کمیته نظارت مالی متشکل از هفت نفر تشکیل شده که تمامی صورت‌های مالی باشگاه‌ها را بررسی می‌کند. در صورت تخلف، علاوه بر جریمه مالی، حتی امکان کسر امتیاز از باشگاه‌ها نیز وجود دارد. همچنین رئیس فیرپلی مالی باید هر سال توافق‌نامه‌ای را با مسئولان باشگاه‌ها به امضا برساند.

رئیس فدراسیون فوتبال در ادامه اظهار داشت: این قانون در مجلس به تصویب رسیده و به وزارت ورزش و جوانان ابلاغ شده است و در حال حاضر تنها فدراسیونی که آن را اجرا می‌کند، فدراسیون فوتبال است. این موضوع در فرآیند صدور مجوز حرفه‌ای از سوی فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

وی در پایان ابراز امیدواری کرد فیرپلی مالی به شکل صحیح اجرا شود و گفت: باشگاه‌های زیان‌ده علاوه بر جریمه مالی، امکان جذب بازیکن را نیز نخواهند داشت. همچنین تمامی باشگاه‌ها موظف هستند صورت‌های مالی خود را به صورت شفاف در سایت رسمی خود منتشر کنند و در صورت عدم انتشار، سازمان لیگ این صورت‌های مالی را منتشر خواهد کرد. موتور سازندگی، رشد و کارخانه بازیکن‌سازی، باشگاه‌ها هستند و امیدوارم در آینده شاهد تیم‌های ملی جوانان، امید و بزرگسالان قدرتمندی باشیم.

مهدی تاج در حاشیه مراسم قرعه کشی رقابت های لیگ دسته اول در فصل جدید اظهار داشت: دشمن به دنبال ایجاد ناامیدی است و تلاش می‌کند این‌گونه القا کند که همه ارکان اجرایی کشور فلج شده‌اند. ما نیز وظیفه داریم هم رقابت‌های لیگ برتر و هم لیگ دسته اول را به بهترین شکل ممکن برگزار کنیم. البته امسال محدودیت‌هایی از جمله در بخش پروازها و ورزشگاه‌ها وجود دارد، اما باید در همین شرایط کار و تلاش کرد و سازندگی را ادامه داد. این همان رفتاری است که مردم و فرماندهان ما در میدان از خود نشان می‌دهند.

وی ادامه داد: فرماندهان ما در حال مبارزه و دفاع از اقتدار کشور هستند و ما نیز در حوزه ورزش وظایفی بر عهده داریم که باید آنها را انجام دهیم. یکی از موضوعات مهم، اجرای فرپلی مالی است که از سوی سازمان لیگ به باشگاه‌های لیگ برتری ابلاغ شده و جایگزین سقف بودجه‌ای شده که پیش از این اجرا می‌شد اما موفقیت چندانى نداشت.

رئیس فدراسیون فوتبال با تشریح تفاوت‌های فیرپلی مالی و سقف بودجه گفت: فیرپلی مالی شامل همه باشگاه‌ها می‌شود، در حالی که سقف بودجه بیشتر مربوط به باشگاه‌های پرهزینه بود و برخی باشگاه‌ها حتی توان پرداخت هزینه‌های عادی خود را هم نداشتند. فیرپلی مالی به بهبود وضعیت کل بودجه باشگاه‌ها کمک می‌کند، در حالی که در گذشته برخی باشگاه‌ها با وجود رعایت سقف بودجه، همچنان زیان‌ده بودند اما در فیرپلی مالی چنین موضوعی پذیرفته نیست و اجازه زیان‌دهی به باشگاه‌ها داده نمی‌شود.

تاج خاطر نشان کرد: اگر از سال آینده باشگاهی با زیان انباشته مواجه شود، محدودیت‌هایی برای آن در نظر گرفته خواهد شد. سقف بودجه صرفاً

